NEUES TESTAMENT Die Gute

كتاب ييمان تازه فداوند وراننده ما عيسي مسيع که از لسان اصلی یونانی بفارسي ترجمه كروة افضل الفضلآ المسيعية هنری مارتن کشیس انگلیسی ایست

که در دار السلطنت لَنَدُنَ سحروسه باعانت سجمع مشهور به بَیْبَلْ سوسیّتی کرت سیّم بدار الطباعه بنده کمترین رِچارد واطس انکلیسی مطبوع کردید

من الما

NEW TESTAMENT

OF

OUR LORD AND SAVIOUR

JESUS CHRIST

TRANSLATED FROM THE ORIGINAL GREEK, INTO PERSIAN,

BY THE

REV. HENRY MARTYN, B.D.

FOURTH EDITION.

LONDON:

PRINTED BY RICHARD WATTS,
FOR THE BRITISH AND FOREIGN BIBLE SOCIETY,

IN THE YEAR

1837.

فهرست این کتاب مقدس

| رساله وربم يولس بتسلنيقيان . 503 | |
|--------------------------------------|-----|
| رساله ٔ اوّل پولس بتيموڻيوس 507 | 1 |
| رساله ويم پولس بتيموثيوس 516 | 83 |
| رساله ٔ پولس بتیتوس 522 | 135 |
| رسانه ولس بفليمون 526 | 221 |
| رسالهٔ پولس بعبریّان 528 | 288 |
| رساله ٔ عام يعقوب حواري 552 | 371 |
| رساله عام اول پطرس حواري 561 | 405 |
| رساله ٔ عام دویم پطرس حواري . 570 | |
| رساله ً عام اوّل يوحنّاي حواري . 576 | 437 |
| رساله عام ثاني يوحنّاي حواري . 585 | 459 |
| رساله علم سيم يوحنّاي حواري . 586 | 470 |
| رساله عام يهوداي حواري 587 | 481 |
| كتاب مكاشفات يوحنّاي الهي 590 | 489 |

| انجيل متّي آغاز ميكند در |
|-------------------------------------|
| صحيفة |
| انجيل مرقس 83 |
| 0 3 0 |
| انجيل لوقا |
| انجيل يوحنّا 122 |
| كتاب اعمال حواريان 88 |
| رساله ٔ پولس حواري باهل روم . 371 |
| رساله عواس حواري باهل قرنتُس . 405 |
| رساله وربم پولس حواري باهل |
| قونتُس ١٦٠٠٠٠٠ |
| رساله ورس حواري بكلتيان 459 |
| رساله ٔ پولس حواري بافسسيّان . 470 |
| رسانه ولس حواري باهل فِيلپي 481 |
| رسالة عواس حواري بقلسيان . 489 |
| رساله ٔ أوّل پولس بتسلُنيقيّان. 496 |

نامة أول بولس بتسلنيقيان

بولس وسيلوانس وتبموثيوس بالكسساي تسلنيقيان كه ورخداى بدر وعیسای مسیم حذاوند است امیخواهند که فضل وآرام از ۴ جانب بدر ما فدا وعيساى مسيح فدا وند برشما بار * وبعد ما بيوسة ور ارهٔ بهکی شما خدارا شکر میآزاریم دور دعایی خود شمارا زکر ٣ ميائيم * وبيوسة كارا بان ومعنت معبت وصبر ورامير فداوند عیسای مسبیر که ورشما میباشد نرو فدا وپرر خود باو می آریم * که ای براوران محبوب میانیم که شما بر کزیده کان خدائید * رواک مررة ما ورمیان شما مجرو كلام نبود بلكه با قوت وروح القدس واعقار صحیح بور چنامچه نور میانید که چکونه ورمیان مشما بسبب شما میبودیم * وشما مارا وخدا زمرا تبعیت نمودید از آنجا که کلامرا ور هنكام الم بسيار بخوشوقتي روح القدس يافتيد بحديمر شما ٨ جهرت عامي مؤمنان ور مقدونه وافائه نمونه ميبوويد * كم آوارة

اوّل بتسلنيقيان * ١ * ٢ *

کلام خداوید از میان شما نه بتنهائی در مقدونی وافائیه بسیده است است بلکه ایان شما نسبت بخدا در هر جا مشهور شده است بخدا در هر جا مشهور شده است به بخدیکه معتاج بحرف زون ما نیست * ارآنجا که ایشان خود در بارهٔ ما خبر میدهندک چه نوع مرخلیت نزوشما واشتیم و بحه نوع از بنه ما بسوی خدا بر کرویدید که خدای حی حقیقی را بنده کی نائید از بسرش را از آسمانها منتظر باشید که اورا از مرده کان برخیزانید بعنی عیسی که ما را از غضب آینده میراند

باب دويم

ای براوران شما خور میرانیرکه مرفلیت ما ورشما عبث نبود * بلكه هرچند عذاب ورسوائي كشيره يوريم ور فيلهي چنانچه میدانید بار در خدائی خود جرأت بهم رسانیدیم که بمژوهٔ خدا به بکوشش نام نروشما تکلم نائیم * که استدعای با از روی مکر یا تغلُّ أِي رِيا نُبوو * بلك چنائيه منظور خدا ميباشيم كه امين مرُوه باشيم بهان طور حرف ميزايم وفلق الخوش آمر نميوتيم بلكه خدائی را که ولهای مارا می آزماید * زیرا که هر کرسخی تملق نمی كفتيم چناچه فوو ميدانير نه بهانة طمع واشتيم چناچه فدا كواه است * ونه عرب ازخلق را طاب بوديم ونه از شلما ونه از ويكرانرا با وجود آنکه مارا جایز بود که بر ویران بار باشیم از آنرو که رسولان مسيج بودي * بلكه بملايمت ورمبان شما بسر ميبرويم بطوريك وايد الحفال خودرا مي برواند * ما نيز از اهتمياق بشما راضي بوديم ك واوه باشیم بشما نه جمین مروهٔ خدائی را وبس بلکه جانهای خور را نيز زيراك مارا محبوب مي بوديد * چشما خود اي براوران ياد

أول بتسلنيفيان * ٢ *

واربير محنت ومشقت ماراكه شب ورور بشغل مشغول ميبوويم كه مباوا براحدي ارشا باربوره إشيم وشارا ندا بمردة ١٠ خدا ميموويم *شما خود شاهديد وفدا نيزك جيد زهد وعدالت اا ونیک نامی نروشها متومنان میبودیم * چنانچه شها خود واقفید که چون مدر فرزندان خودرا هربک از نشمارا نصیحت و پند مشمودیم ۱۲ * ہموارہ میکفتیم که بنوع لایق آن خدائی که شمارا بملکوت وجلال ١٠٠ خود خوانده است رفتار نائيد * ازين روست كم ما بيوسة فدارا شكرمفائيم كه چون آن كالمى راكه أز ما شنىدىدك كالم فداست چون كلام خلقش نبزرونديد بلكه چنانچه في الحقيقت ميباشد ١٨ كلام خدايش باعتبيركه شما مومنازا مؤثر است * أز آنجاكه شما اي براوران ديرو کليسيالي خدا که ور مرزو بوم بروريه ور مسيح عيسي ميباشد شدير زيراكه كشبيبيرشا از قوم خود آن عزابيراكه ٥٠ كشميرند آنها از بروو * كه عيساى خداوند وينغمبران خوورا بقتل رسانیوند وارا زخمت واوندک ور رضاجوئی فدا نیستند ویمه ١١ خلق النير مخالف مفايند * وارا منع مفايندك با قبائل بجهب نجات ايشان حرف فرنيم تاآنكه پيوسة معاصي خوورا ۱۷ بانتها رسانند ومنتهای غضب بر ایشان رسیده است * وما ای براوران که چندی ظاهرا نه قلبا از شما مهجور کشتیم بشوق ١٨ بسيار زياده كوشيريم تأكه روى شمارا به بينيم * وبدين جهت می خواستیم که بنزوشا آمره باشیم یعنی من که پولسم یک مرتب ١٩ بلكه مكرر ليكن شيطان مارا مار مي داشت * زيراكم چيست امير ما يا سرور ياتاج فخرا ياكه شمائمي باشيد نزو خداوند ماعيساى

اول بسلنیقیان * ۳ * ۳ *
مسیح وقتی که آبد * بررستی که شما هستید جلال وسرور ما
باب ستیم
مشخم دواز نمی آزاد ترین دارد

ا بس چون ویرمتحمل جدائی نمی توانستیم شد راضی شدیم ا كه تنها وراثنيه انده باشيم * وتيمثيوس راكه براور ما وفاوم خدا وور احيل مسيح هم بيشة الست فرستاويم تا آنكه شمارا استوار سازو وشارا ور خصوص ایان شما فاطر جمع ناید " که چیج کس ازین مصائب متحرک نشور که شما خود میرانید که برای جمین م مقرر شده ايم * وچون باشما بوديم پيش شمارا مي كفتيم كه زحمت ه خواهیم کشید و چنین شد چنامچه شما خور میدانید * لهزا من دیگر شكيبائلي نكروه فرستاوم تا أيان شارا تحقيق نايركم مبارا ممتحن شمارا امتحان نموده باشد ومحنت ما بيهوره شده باشد * ليكن الحال چون تيمونيوس از پيش شما با آمره ومزوة ايان ومحبّ شارا ما رسانيد واينكه شما پيوسته بخويي ور زكر ما مي بأشير وملاقات مارا شايق من باشير *چنانچه* ما مشتاق شمائيم ۱۶ ای برا دران باوجود جهته مصیب ونا خوشیهای خود ارشها ^ بسبب ایان شما نسلّی بافتیم * یعنی حال زنده هستیم اکرشما ور خداوند بايدار باشيد * وا چه مقدار خدارا شكر مي توانيو نمود ۱۰ بجهت آن مهم سرور که بعلت شما نزد خدای خود داری * وشب وروزبي شمار استدعا ميائيم كه شمارا ملافات نموده ناتاميهاى اا شارا ورا بان تام نائيم * خود خدا وبدر ما وخدا فد ما عيساى مسيح ١١ راه مارا بسوى شما عليه وفداوند شمارا اين عطاكندكه ورمحب نسبت میدیر وامکی ترقی وافزونی پیرا کنید چنای ما نسبت

اول بتسلنيقبان * ٣ * ٣ *

۱۰ بشیا ۱۰ تا آنکه ولهای شمارا استوار سازو در تقدس نرو خدا وپدره ور هنکام آمرن خداوند ما عیسای مسیم با جمکی مقدسانش

باب چهارم خلاصه ای براوران از شما ستواک می کنیم واستدها می نائیم بجهت فاطر عيساى فداوندكه چنامجه از ما فراكرفتيرك چرنحو رفتار غائمیر وخدارا رضاجوئی کنید برآن افزائید * زیرا که شما خود م میرانید که چاد کام داویم شمارا از قبل عیسای خداوند * چه خواهش ۴ خدا در تقدس شاما اینست که از زنا خودواری نامید * واینکه هرکس از شما بداند که بچه نوع بدن خوورا منزه و محترم نکاه وارو * نه ورآرزوی شهوت چون قبائل که خدارا نمی شناسند * وایک ور ایم امرتحدی ووست اندازی نسبت بیراور خود نمائیرک فداوند از نامی آین چیزا انتقام مناید چنانچه بیشتر ما بشما کفتیم · ويوسَمَ شهاوت وأويم * ارآجاك خوانده است فدا مارا بنا يكي ملكه بسوى تقرس * لهذا آنكس كه تحقير مى نايد خلق را تحقير نمى علىربلك آخرائى رآكه روم مقرس خوورا باعنايت فرموده است * وور خصوص محبت براوری احتباج نیست که من بشما بنویسم ١٠ زيراك شما فوومحب يكريكررا از خدا آموخته ايد * وچنين مي نائيد اسبت اتامی براوران که ور تامی مقدونی میباشندای براوران " ازشما استدعا مي نائيم كم برآن بيفرائيد * وطالب باشيد اين عرت راکه آرام واشته ور کار خود مشغول باشید وبدستهای خود ۱۱ چنامچه شمارا مقرر نموویم بکار بروازید * تا آنکه بطور نیکوئی ورنظر ١٠٠ فارجيان ريست كنيد واحتياج بهيكس نداشته باشيد واي

اوَل بنسلنيقيان * ٢ * ٥ *

براوران محیخواهم که شما از مرده کان بیخبر باشید مباوا چون

ا ویکران که امید ندارند غم خورید * زیرا که اگر باور کرده ایم که عیسی

مرو ویرفاست بهین طور خدا آن اشخاصی را که ورعیسی خوابیده

الد باوی خواهد آورد * واین را از کلام خداوند میکوئیم که ما زنده

وباقی میباشیم تا بآمان خداوند سبقت بر خوابیده کان خوهید نمود

الم * که خداوند خود ورآنی بآواز رئیس الملائک وصور خدا از آسمان

نازل خواهد شد وآنانی که ور مسیح خوابیده اند اول خواهند

برخاست * وبعد از آن ماکه زنده وباقی مانده باشیم با آنها بابرا

کشیده خواهیم شد تاکه خداوندرا ملاقات نائیم ورهوا وپس بمواره

دا خداوند خواهیم بود * لهذا کهدیررا باین سخن فاطر جمع نائید

باب پنجم

ا ای براوران ور بارهٔ زمانها و فصلها احتیاج ندارید که چیزی بشها دوشه شوو * زیرا که شما خود یقین میدانید که روز خدا فد چون وزو و در شب می آید * چه هنامی که وکر آرام وامن را می نائید بهان وقت هلاک ناکهانی آنها را فروخواهد کرفت چون وروزه زن ما مامدرا ورستکاری نخواهند یافت * لیکن ای براوران شما ور ه نامدرا ورستکاری نخواهند یافت * لیکن ای براوران شما ور ه نامدی نمی باشید تا آنکه آنروز شما را چون و زر بینک آرو * شما به بهمه فرزندان نور وفرزندان روزید واز شب وتاریکی نیستیم * پس باید که چون و کران بخواب نرویم بلکه بیدار وهشیار باشیم * از آنجاکه خوابناکان ور شب مست باید هستان ور شب مست

اول بسلنيقبان * ٥ *

مارا معين نكروه است برغضب بلكه بحبهت تحصيل نجات ١٠ بوساطت خداوند ما عيسامي مسيح * كه ورراه ما مروكه خواه ميدار اا وخواه خوابيره باشيم جمراه او زنده كرويم * پس جمديررا فاطرجمع ١١ كائير ويكركررا تعمير لائتير چناچه حال مي كائير * واي براوران ارشا استدعا مفائيم كه آناني راكه ور ماينه شما بنعب كرفتارند وپیشوا بان شما ور فداوند میباشند وشمارا نصیعت می نایند ١٠٠ التفات عائير * وأنهارا با نهايت مهرباني عرير وأربد بسبب ۱۰ عمل آنها واهم ور مقام صلح باشید * وای براوران ارشا استدها منالیم که سرکشانرا نصیحت نائید ویی جرانانرا تسلی وصير وضعفارا معاونت فائير ونسبت بهمكى ورمقام حلم باشيد ٥١ * وبا حذر بوره كه كسى با كسى در مكافات بدى بدى لنائيار بلك ١١ وايم وريي خوبي با يكريكر والمهمه باشيد * وجمواره شاونان باشيد ١٨ * وييوسة بدعا مشغول باشيد * وور هر امرشاكر باشيركم اينست ١٩ خواهش فدا ور حق شما ور مسيج عيسي * روح را فاموش فاتير ١١ * نبوتها را حقير مشماريد * صرچيز را آرموده بآجه خوبست تسك جوئيد ۴۳ * از هر بدنائی پرهیز نائید * وخود خدای آرام شمارا بالکلیه مقدس سازد وجملهٔ شمارا از روح واز نفس واز بدل محفوظ وارد که ور ۲۲۷ من خداوند ما عیسای مسیج بی عیب بشید * امین است ه انکه مارا خواند واوست که جا خواهد آورو *ای براوران ور ٢٩ حق ما وعا غائيد * ويمكى براوران را ببوسة مقدس سلام رسانيد ۲۰ وشارا بخداوند سوكد ميرهم كه اين مكتوبرا بر جمكي براوران ٢٨ مقدس بخوانيد * توفيق خداور ما عيساى مسيج إشما أو آمين

نامة روتم بولس حوارى بتسلنيقيان

باب أول

ا بولس وسيلوانس وتيموثيوس بكليسياي تسلنيقي كه ور بور ما ا خدا وعيساي مسيح فداوند ميباشد " (ميخواهند) كه فضل وأرام ۳ ارجانب بدر ما خدا وعیسای مسیر خدا وند برشا باو * ای براوران بر ا واجبست که بجهت شما وایم فدارا چنای سزاوار است شكر كذاري فائيم از آنجاكه أيان لشما بغايت عظيم تر ميكرود م ومحب وریک ارشا ممکی ور باره کیدیر می افزاید * بحدی که ما خور ازشما وركليسيالي فدا فخرمفائيم بعلت صبر وابان شما ورجميع مصائب شما وغدابهائي كه آنرا متحمل ميكرويد ه و واین برانیست بر اجرای حکم خدا براستی که شما قابل ملكوت خدا وانسة شده ايدكه بجهت آن زحمت مي كشيد * زیرا که اینست انصاف نرو خدا که معنریین شما را از راه قصاص عزاب غاید وشاراکه مظلوانید راحت بخشد با ما در وقت ظهور عيساى خداوند با فرشتكان قدرتش اراسمان * وراتش مشتعل منتقم ارآنانی که خدارا نمی شناسند وآنانی که مروه خداوند ما عيساى مسيرا اطاعت نمي نايند وايشان از حضور خداوند ١٠ وجلال وقدرتش بقصاص هلاكت أبدى خواهند رسيد * هنكامي که می آبیرکه به قدسان خور مرین کردد واز ممکی مومان باعث

وويم بتسلنيقان * ١ * ٢ *

کمال حیرت کرود در آنروز یقین است که از شهاوت ما شما ۱۱ مومن کشته اید * لهذا ور حق شما وعا می نمائیم که خدای ما شمارا شایستهٔ این وعوب شمارد و با نمام رساند کمال رضای خودرا ور ۱۱ نیکوئی وکار ایمان را با قوت کرداند * تا آنکه عظیم کردو از شما اسم خداوند ما عیسای مسیح وشما اروی بر حسب توفیق خدای ما وعیسای مسیح خداوند ما

باب دويم

ای براوران از شما استدعا منائیم در 'بارهٔ آمدن خدا وند ما عیسای مسيم وحشر ما نزو وي * كه شما زود از هوش متزازل نشويد ومضطرب مكرويدنه از روج ونه از كلام ونه از نوشت كه كويا ازما باشد ٣ باين مظنه كه كويا روز مسيم ازويك است * ويدي كس بهي وجهه شمارا نفرمبد زیرا که آن واقع نمی شور جز آنکه ور اول ارتداوطاری کرود وآشکارا شور آن سخص کناه که فرزند دهلاک ۱ است * كه او برېمهٔ آمچه بخدا بامعبود مستمي است مخالفت مناید وتفوق میحوید بنوعی که ور هیکل خدا چون خدا می نشیند ه وخوررا چنین معاید که اوست فدا ۱ آیا یاد نمیدارید که وقتی که هنور نزوشها بودم این را بشها کفتم * والحال میدانید که مانع · چیست تاکه ور هنگام خود بظهورآبد * از آنجاکه بالفعل همرآن مستور ناراست مؤثر است وہمین که آنچه تا حال مانع است ار میان برخاسته شود ۴ آنوفت آن ناراست ظاهر خواهد کردید وخداوند اورا بنفس رهن خور فرو خواهد كرفت وجلوه آمره خور معدوم خواهد نمور * وظهورش ازعمل شيطان با هرقسم قوت

ورتم بتسلنيقيان * ٢ * ٣ *

١٠ وعجايب وغرايب كاوب ميباشد * واكمال وليل اراست نسب بهالكان ازانجاكه نيافتندمحبت راستيرانا آنكه نجات " إنبد * لهذا فدا بأنها الرضلات را خواهد ورستاو تا آنك ايشان ١١ وروغ را اعتقاد عايد * تاك بر مهة آنها حكم شووك راستي را باور ۱۳ نه نموزند بلکه مناراستی خورسند بووند * وانی برا وران محبوب فداوند مارا لازم است كه بجهت شما جمواره فدارا شكر كذاريك فدا از خست بتقرس رومي وابان راستي شمارا بجهب ۱۷ نجات برکزید * وشمارا بوسیلهٔ زیرای ما بآن خواند تا آنایه شما مال ه رجلال خداوند ما عیسای مسید کروید * پس ای براوران راسی قدم باشید وآن احکامی را که خواه از کلام وخواه از مکتوب ما ١٤ فراكرفتيد محكم نكاه واريد * وفور خدافيد ما عيساي مسبح وفدا وپرر ماکه مارا محبت فرمود وتسلی ابدی وامیدواری خوبرا از ۱۷ کرم یا عنایت فرموده است * ولهای شمارا تسلی بخشد دور هر فول وفعل نيك بإيدار سازو

با سیم

ا خلاصه ای براوران ور حق ما وعاکنیدکه کلام خداوند جاری اسود وعظم باید چنانچه نروشما یافته است * وتا آنکه از مردم نامعقول شریر محفوظ کردیم از آنجا که جمدرا ایان نمی باشد است * وامین است خداوندی که شارا استوار خواهد ساخت واز اشره محفوظ خواهد نمود * واز خداوند ور بارهٔ شما اعتاد واریم که آنچه همارا میفرهانیرهم جا آورده اید وهم خواهید آورد * وولهانی شمارا خداوند همرایت ناید محبت خدا وصهر ور انتظار مسب

رويم بتسلنيقيلن * ٣ *

* * وشارا حکم مفایم باسم فداوند ا عسای مسیح ای براوران که شما از هر براوری که بسر کشتکی رفتار مفاید نه برحسب آن · فرمانی که از ما یافت کناره کیرید * از آنجاکه شما خود میدانیدک ٨ چسان با ما متابعت نائيرچ ما ورميان شما سركشته نبووي * ونه ار قبل كسى نان مفت مى فورويم بلكه با محنت ومشقت شب وروز مشغول بوريك مباوا براهدى ازشما إر باشيم و * واین نبود از آن جهت که اختیار نداری بلکه از آنجا که خودرا ٥٠ نمونه بشما نائيم تاكه موافق ماكرويد * وجون نروشما بوديم اين را ا، نیز بشما کفتیم که اکر کسی خواهد که کار نکند نان نیز نخورد *ک مسموع ميشووكم بعضى اشخاص بسركشتكي ورميان شما رفتار ١١ منايد وكار نمي كنند وليكن بكروش مشغولند * وامثال اين اشخاص را می کوئیم واستدها می نائیم که بخاطر خدا وند ما عبسای ۱۳ مسیر که آرام بشغل پرداخته نان خوررا بخورند * وای برادران ۱۷ شما در نیکوکاری ملول نکروید * واکر کسی سخن مارا در نوشته اطاعت نه غايد اورا نشانه غائيد وباوى معشور نشويد تا آناء خعبل ٥٠ كرود * ليكن چون وشميش نشاريد بلكه پندش وصيد چون ١١ براوريرا * فوو فدا فيد آرام بيوسة ور هر صورت شارا آرام ١١ بخشد وخدا فيد با جمكي شما باو * سلام برست خووم بولس اين ۱۸ نشانیست ور هر کتابت چنین مینویسم * توفیق خدا زمر ما عيساى مسيح إجمكي شا إوآمين

نامة بولس برتيموثيوس

باب اول

ا پولس حواری عبسی مسیم بحکم نجات وهندهٔ ما خدا وامیرکاه ما ۲ عیسای مسیم فداوند * به تیمونیوس فرزند حقیقی ور ایان (ميخواهد)كه عضل ورحم وأرام از پدر ما خدا وخداوند ما عيساى ٣ مسيح بر تو او * چنانچه هنگامي كه اراوه مقدونه واشتم از تو استدعا نمودم كه ور افسس مارده بعضى از آنان را بفرمائي كم م تعليررا تغمير ندهند * ونقلها ونسب امهاى غير متناهى را اعتنا لغايندكه غالب أنست كوآن جيزا جدل إباعث است ه نه زربيت آلهيرا ورايان * ومقصود از حكم محبت است از ٧ ول بك ونفس مطمن وايان بيريا * وبعضي از اين چيزارا منحرف کشت باراً بیاوه کوئی کزاشته اند * ومیخواهند که معلمان شرع بوده باشند ونمي بابندكم چه ميكويند ويرچه وليل مي آرند * وسيرانيم ماك شريعت نيكوست اكركسي آنرا متشرعانه بكار ٩ برو * واين را بدايدك شرع بجهت عاول نيست بلك بحبهت سركشمان وطاغيان وبي وينان وكناهكاران وبي تقوايان وبي ۱۰ برهیزان وپرکش وادرکش وروم کش * وزانی واطی وروم ورد ودروغ کو وسوکند دروغ خور است واکر چیزی ویکو باشد که اا خلاف تعليم صحيح باشد * اينست بر وفق مروه با جلال خداى

اول به تيمونيوس * ١ *

١١ مبارك كه بمن سيروه شره است * ومنت بديرم از مسير عيساى فداوند مآكه مرا قدرت بخشيد زانروكه مرا امين وانست ١٣ چون بخرمت تعين فرمود * ومن قبل ازين كفركو ومعدب وظالم بووم لیکن رحم کرده شدم زآنرو که آنهاراً در جهالت از ١٧ يي اعتقاري ميتمووم * وتوفيق خداوند ما بغايت افرود با بان ٥١ ومحبتي كه ور مسيم عيسي است * كلاميست معتبر وقابل کال قبول است که مسیم عیسی برنیا در آمد تاکه کناه کارازا ١٧ نجات بخشد ودرميان آنها من بزر كترين كناه كارانم * ليكن از اینجا بر من رحم کرده شد تاکه عیسای مسیر کمال حلم را ور من نخست نمودار کند تاکه نمونهٔ باشم جبهت آبانی که بعد بردی ١٧ ا بان مي آرند جهت حيات جاويد * وبارشاه عوالم معرا ار فساو ومبرا از روتت خدای یکانهٔ حکیم را تعظیم وجلال تا أبرا لا إو ۱۸ آمین * ای فرزند تیمونیوس این حکم را بنو می نایم که بر حسب اخباراتی که سابق ور بارهٔ تو می بود تا ور این چیزا جهاو نیکو جا ١٩ آرى * بنكاه واشتن ا بان واطمينان نفس نيركه بعضي اورا وور ٢٠ كروه كشتى ايان ايشان شكست • وار آنمانه جمينوس وسكندر مي باشندكه آنهاراً بشيطان سيروم تا تنبيه يافته ويكر كفر نكويد

باب دويم

ا پس از هرچیز بیشتر سفارش می نایم که مناجات ووعا وشفاعت و شکر کناری ور بارهٔ نامی خلق کرده شود * بحبهت بادشاان وقامی اشخاص صاحب جاه تا آنکه بآرام واستراحت کنران اول برليموليوس * ٢ * ٣ *

س نائيم باكمال زهد وشايستكى * زيراكه اين نيكواست وخوش ٣ آينده نرونجات وهندة ما خدائي * كه ميخواهد كه تامي خلق نجات ه بافته بمعرفت راستی کرایند *که بک خداست وورمیان خدا » وخلق يك واسط أست واو انسان مسبع عيسى است «كه خودرا در راه جمه فدیر واو واین شهاوت در وقت ای معین · شد * وور آن من ندا كننده وحوارى ومعلم قبائل ور ابان مراستی مقرر شدم دور مسیح راست میکویم دورون نمیکویم * پس خواهش منست که مروان در هرجا وعا نایند به بلند کرون وستهای فک بی خشم بی جدل * وزنان نیز بلباس مرین بحیا ویرهبرنه بکیسوا یا طلایا مروارید یا رفتهای کران بها خودرا ١٠ آرايند * بلكه چنامچه زنانيراك فدا پرستي اوعا منايند ميزييد " باعمال نيكو جا آرند * وبايد كه رن بآرام وبالعال اطاعت تعليم ۱۲ کیرو * وزنرا بتعلیم واون اجازت نمیدهم و نه تا آنکه زیروست مرو ۱۳ باشد بلکه سکون اختیار کند * از آنجا که اول آوم خلق شد وبعد ه، حوا * وآوم فريفته نشد بلكه زن فريفته شده از حد تجا وزنمود * ليكن ور زاون فرزند رستکاری خواهد یافت بشرط استقرار ور ا بان ومحبت وتقذس ووقار

باب سي

ا سنحنی است متین که در کس که خواهشمند منصب اسقوفیت ا باشد عملی نیکورا طالب است ا بس باید که اسقوف نیک نام وصاحب میزن ویرهنرکار ویروبار وصاحب اخلاق وغریب ایرست وائل بتعلیم باشد اند می پرست و نه ضارب و نه طامع اول برتيمونيوس * ٣ *

م نفع معيوب بلك صابر وصلح جو وزمعب سيم باشد * وبر فانوارة خوو بطور شابسة حكم كند وفرزندان خورا وركمال بروباري ه مطیع دارد * زیراکه اکرکسی نداندکه چگونه برفانوادهٔ خود بزرکترین ٧ كايد جه نوع تواند از كليسبا ا خبر باشد * ونو آمور نباشد مبارا او کروه بسزای ابلیس کرفتار شود * وباید که از فارجیان استشهاد نیک نامی واشته باشد مباوا که ور وات ووام ابلیس افتد * وفاوانوا نيز بايدكه بهان طور بروبار باشند نه اشخاص دو رو ونه اينك بشراب بسيار ميل واشته باشند ونه نفعي معيوبرا طالب ١٠ إشند * بلكه راز ا يان را با ساوه لوحي نكاه وارند * وخست بايد كه آنهارا تجربه نايند أكر بر آنها اوعائى نشد آنكاه وركار فدمت " مشغول شوند * وزنان را نيز بهمان طور بايدك بروبار ومبرا از ١١ غيبت ويكرانرا وهشبار وور هر امر يا برجا باشند * وفاول با يكزن ١٠٠ بانند وفرزندان وفانواوهٔ خوررا بطور شایسته بیشوانی نایند * زیرا که آنان که خوب فدمت موده اند مرتبه نیکورا ونهایت جرأت را ١١ ورا يان بمسيم عيسى افرمنانيد * واين چيزارا بتومي نويسم با ٥٠ اميرآنك خود زود بنزو توآيم * دور صورتي كه تاخير كنم واني كم چكونه ور فانة خدا كنران بايد كروك آن كليسياي فدا حي وستون ١١ وبنياد راستي است * وبالبديه عظيم است سروين كه فلا ور جسم آشکارا شد وبروم تصدیق کروه شد واز ملائله ویده شد وورمیان قبائل باو ندا کروه شد وور ونیا بروی ایان آورده شد وبحلال كرفته شد

اول برنيمونيوس* * *

باب چہارم

ا روم صريحًا ميفرايدكه ورايام آخر بعضى ازايان خواهند بركشت وارواح ضال وتعليم ويوان اعتنا خواهند نمود * بسب تروير ٣ وروغ كويان كه نفس آنها كويا بداغ ارحس اعتاره است ومنع منايند از نكام وحكم منايند باحتراز از طعامهائي كه خدا أفريده است تا آنکه مومنال وعارفان حق باشکر کذاری تناول غایند م * زيراكم هر مخلوق فدا نكوست وايج چيز قابل دور كرون ه نیست اگر بشکر گذاری تناول کروه شود * از آنجا که از کلام خدا ورعا پاک میشور * اگر آین چیزارا به براوران یاو رهی فارم خوب عيساى مسيح خواهى بود وتربيت يافته وركلام ايان وآن تعلیم نیکوکه پیوسته ور پی آن بورهٔ * لیکن از نقلهای یاوه وافسأنهاى بيره زنان اعراض فاوور وين وارى رياضت كش ٨ باش * زيراكم رياضت بدني كم مصرفست ودين وارى بهر چيز مفير است ووعدهاي آين حيات وحيات آينده را وارو * سنحن متين است وقابل كمال قبول * وبدين جهت است که مشقت می کشیم وزلیل میشوی که امیروار میباشیم از فدای دی که اوست نجات وهندهٔ جمکی فلق خصوصاً مومان ١١ واين چيزارا حكم وتعليم فرا وكسي جواني تورا حقير نشارو بلك مومنان را وراكلام وكنران ومحبت وروحانيت وايان ١١٠ وباكيزه كمي نمونه باش * تا هنكام آمرنم بمطالعه ووعوت ورتعليم ۱۱ متوج شو * ويعغبر ماش از كرامتي كه ور نست كه بتو واوه شد ١٥ از اخبار تموون ونهاون وست كشيشان برنو * ورين چيزا تألى

اول به تيمونيوس * ۴ * ٥ *

 ۱۶ واینها ثابت باش تاکه ترقی تو به جمه نمووار باشد * از خور واز ارشاو با خبر باش وور اینها و ستحکم شوکه اگر اینهارا جا آری خوورا و شنونده کان خوورا نجات خواهی واو

باب ينجم

پیررا ورشتی ما بلکه چون از پررستوال ما وا جوانان چون ا ٣ براوران رفتار نا * وا بيره زنان چون ا ماوران وا زنان جوان ٣ چون با خواهران با کمال حيا * وبيوه رنان را كه فني التحقيقه بيوه م باشند محترم وار * واكر زن يوه فرزند يا نبيره واشته باشد آنهارا بايدكه بيامورند نخست إ فانواوة خوو صله رحمرا جا آرند وإواى ه حقوق اجدار پروازمد زیرا که این نرو خدا شایسته ونیکوست * که زنی كه في الحقيقه بيوه وبي كس است بخدا توكل نموره شب وروز وروعاً ومناجات اشتغال مي نايد * ليكن زني كه بعيش وعشرت میدراند هم ور حیات مروه است * پس آنهارا از این آگاه ساز تا که متهم نشوند * واکر کسی ور بارهٔ خویشان بتخصیص اهل فانهٔ خوو تکاهل ورزو منکر ایانست ویست تر از بی و ایانست * وزن بیوه که واخل سیاهه میباشد باید که کمتر از ١٠ شصت سال نداشة إشد ويك شوهر كروه إشد * ووراعمال نیک مشهور کرویده باشد مثلاً ور طفل پروری مشغول بوده است یا غریب نوازی میموده است یا با بهای مقدسان را می شسته است یا ول شکستکانرا معاون بوره است یا ور در زوه الم عمل نكورتي جمواره اشتغال واشته است * أما از زنان بيوة جوان احتراز نا زانروكه يوخلاف مسيج نازمي نانيد ونكاح ميخواهند

اول برنيموئيوس * ٥ * ١١ * وقابل موآخذه مي باشند از آنروكه وفاواري اول را فسيخ نموده ۱۳ امد * وعلاوه بر این بیکاری ایاد می کیرند که از فانه بخانه کروش نايندنه بيكار وبس ملكه مإوه كو وفضولِ وتكلّم كننده بآنجه مناسب ١١ نيست * پس راي من اينست كه زنان جوان نكام كروه شوند وفرزند زانيد وكدبانوي فانه باشند وفصمرا مجال مزمت ١١ ندهند * زواكه بعضي الحال بيروي شيطان را مي نايند * واكر مرو یا زن مومنی بیوه کانرا واشته باشد خود آنها را متکفل کرود وبار بر كليسيا فايد تأآناء آناني راكه في الحقيقه بيوه مي اشد متكفل ١٠ كروو * وآن مشا بخيراك يشوائيرا نيكو نموده الد لايق توجه مضاعف واند خصوصاً آناني اكه ور وعظ وتعليم مشقت مي ١٨ كشند * چكتاب مي كويدك كاو خرمن كوبرا وهن مبند ومروور ١٩ مستحق مرد خور است * وارعاى بركسي از مشائخ را مبنير جر ۲۰ با روسه شاهد * اما کناه کارانرا در بیش روی بمکی ملزم سازتا ۲۱ ویکران نیز ترس بر وارند * ومن پیوسته نرو خدا و میسای مسیح فداوند وفرشتكان بركزيره ورين كواهي هستم كه تو ابنهارا بدون ۲۲ اجاجت بایدنکاه واری وایج امرا ار طرف واری نه نائی * برودی وستهارا برکسی مکذار وزه ورکنان ویکران شریک شو بلکه خوورا ٢٣ أيك نكاه وار * ووير آب خور مباش بلكه بحبه وضم ۲۷ وضعفهای بیوست خود اندک شرایی بگار بر * وتقصیرات بعضى اشخاص بر واضح است ويرتجربه سبقت مى كيرو وكناان ٢٥ بعضى بعد واضح مي شوو * ويمان قسم اعمال نيك واضح است وچیزای ویر کون نیز مخفی نخواهد بود

اول به تیموثیوش * ۲ * داد به دیشه

بایدآنانی که ور غل بنده کی می باشند مولایان خودرا قابل کمال احترام واندكه مباوا باسم فدا وقواعدش بدكوئي شود * وآنانيك مولایان ایان وار وارند تحقیرنه نایند آنهارا ار آنجانی که براورانند بلکه بیش بنده کی نایند از انجائی که ایان دار و محبوب دور ٣ نعمت حصه وارند باين چيزا ارشاو ووعوت ما * واكركسي بطور ويكر تعليم رهد وبكلام صحيح فدافد ما عيساي مسيح واعتقاري ٨ كم بحسب وين واريست اعتنا نه نايد * باوكروه أست ويريج نمی فهمد بلکه ناخوشی مباحثه و مجاوله ور اوست که پیرا می شود ه ارآنها حسد ونزاع واقوال فسيحه ويد مظَّنكيها * واللف اوقات اشخاص فاسد العقل ومهجور از حق که می پندازید که دین داری " نفع است از این جورا اشخاص خودرا کناره کن * بلی دین · واری با قنامت نفع بررک است * زیراک بیج چیزرا ور ونیا ور نیاورویم وظاهر است که همیچ چیزرا از ونیا بیرون نمی توانیم ۸ برو * پس هرکاه خورآک ویوشاک داشته باشیم بانها اکتفا غائیم ه • وآنائكه عزم رولت وارند مي افتند در امتحان درام وانواع خواهشهای نا معقول مضر که مروم را در تباهی وهلاک غرق ١٠ مي كنند * واصل جمة بديها زر ووستى است كه آنرا بعضى طالب شده ارا بان کمراه کشتند دور خودنو المهای بسیاررا " فرو کروند * وتو ای مرو خدا ازین چیزا کریز دور بی صدق ددین ۱۱ واری وایان و محبت وصیر وافتاده کی باش * وور کوشش نیکوی ایان بکوش و میاب جاوید آله بجهت آن خوانده شده

اول برتيمونيوس * ٢ *

۱۳ وارعای نیکی را نیز پیش شاهدان بسیار نمودهٔ برست آر * وتورا حكم منام يش فدائيكم جدرا زنده مي سازو ويش مسيم ١١٧ عيسي كه ور حضور بنطيوس بيلاطس بدرستي اقرار نمود * كه تو این حکمرا میراغ وفالی از وم نکاه واری تا هنگام ظهور فداوند ما ٥١ عيساى مسيم * زيراكه وروقت معين خواهد نمور آنكس كه ماكم مبارك وأحد وإوشاه إوشاان وخداوند فداوندان ميباشد ١١ * واوست بتنهائي كه بقارا وارد وساكن نوري كه رور از نرديكي است وایج کس از مروم اورا ندیده است وی تواند وید اورا ١٧ عزب وقدرت جاوواني باو آمين * واشخاصيراك ورين جهان صاحب وولتند حكم فرماك مغرور نشفد وير وولت نا بايدار اعتار نه نایند ملکه برآن خدای حی که هر چیزرا بفراوانی با ارزانی ١٨ ميفرايد تا بكار بريم اعتاد غائيد * واينك نيكوكار بووه وور اعمال ١٩ نيك بيغزايند وميلُ بعطا وبذل تمورن راشة باشند * واساس خزانة نيكو ور آخرت بجهت خور بنهند تاكه حيات جاويررا ۲۰ برست آرند *ای تیموثیوس امانت نکاهدار واز یاوه کوئی هرزه وارآن اختلافات که از علم کازب داصل میشور کناره جو ام باش مر بعضی چون آزا اوعا ممورند از راه ایان منحرف كشتند وتوفيق باتو بار آمين

نامة انى پولس بەنىمونيوس

باب اول

ا پولس دواری شرهٔ عیسای مسبح ارارهٔ فدا در ارهٔ وعدهٔ حیات ۲ ور مسیع عیسی * به تیموثیوس فرزند محبوب (میخوهد) که فضل ۳ ورم وآرام از فدای پرروسیم عیسای فداور ما برا و باو * منت فدايراً كم بنده كيش را از اجداد بساده كي مي عام وشكر منام جون م تورا بیوسته در وعای خود شب دروز باد می آرم * ومشتاق ملاقات تو میباشم زمانی که اشکهای تورا بیاو می ارم تا آنا از سرور پر شوم * چ ایاد می آرم آن ایان بی رانی راکه پیشتر ساكن بور ور جدهات لوئيس واورت اونيقى ومرا يقين ٤ است كه قال ور تونيز ميباشد * لهذا تورا باد مي ارم كه كرامت فدارا که بوساطت کناشتن وستهای من در تو میباشد بر افروزی * از آنجا که فدا روح جبن ای نداده است بلکه روح قدرت ومحبت ووقارا * پس توازشهاوت برخداوند ما وازمن که اسیر اویم خیل مباش بلکه بمرافقت مروه عزاب بکش و بقدرت فدائی * که مارا ناجی کروانیده است وبرعوت مقدس وعوت نمور نه از اعمال ما بلكه از تقدير خود وتوفيقي كه با ور مسيم ١٠ عيسى از ايم قديم عنايت شده است و وال آشكارا كرويد بسبب ظهور نجات وهندة ما عبساى مسيه كه مركرا معدوم

روتم به ليموثيوس * ١ * ٢ *

ا ساخت وصات وبقارا روشن نمور بمروه مكم من ورأن ندا ١١ كننده وحواري ومعلم قبائل مقرر شدم * وبهمين جهت من این عذاب را می کشم لیکن خبل نیستم که میدانم برچه کس ا يان أوروه ام ويقبن وارم كه تواندكه امانت مرا تا بآنروز نكاه ١٣ وارو * وأن كلام اي صحيح راكه از من شنيره چون إ معيار وا ۱۴ ایان و محبت که ور مسیم عیسی است تشک جو ۱۸س ٥١ نيكورا نكاه وار بروم القدس كه ور ما ساكن است * وتو اين را ميراني كربهة اهل اسي ازمن بركشتند وفكس وهرمكنس ١٧ نيز با آنها ميباشند * وخداوند فانورة اينسفرس را رحمت غايد كه ١٧ مكرر مرا تازه كمي بخشير واز زنجير من خجل نمي شد * بلكه ور ۱۸ هنگامی که در روم میبود نیز بکوشش مرا جسته پیدا نمود * فداوند این را بوی عنایت فرماید که در آنروز رحمت از خداوند بیابد وتو بهترميراني كه ورافسس چه قدر خدمت نمود

باب دويم

بب توای فرزند من از توفیق که ور مسیح عیسی می باشد با ع قوت باش * وانچه از من بوسیلهٔ شاهدان متعدو شنیده بسیار باشخاص معتبری که قابلیت تعلیم نموون ویکران را واشه به باشند * فاصل آنکه تو چون سیاهی نیکوی عیسای مسیم متحمل نه عذاب میباش * وکسی که سیاهیکری می نماید تا سردار سیاه را ف خوش آید در امور معاش نمی پیچد * واکر کسی نیز کوشش نماید متوج نمی شود جز آنکه بر وفق قاعده کوشش نماید * ودهقان رابح به ویده را باید که نوست ور فاصل شریک باهد * ودر آنچه میکوم روتم برتيموليوس * * *

٨ تألُّى نا وفداوند فهم هر چيزيرا بتو عنايت فرمايد * بخاطر آرك عیسای مسیم که از نسل واود بود از مردهکان بر فاست چنانچه ٩ من بآن مدا مي نايم • وبسب أن متحمل شدايد مي باشم نا ١٠ بيندا كه كويا محرم بورم ليكن آن كلام خدا بسته نميشور * واين جمرا جهت بر كزيده كان متحمل ميشوم تا آنك ايشان آن نجانی را که ور مسیح عیسی میباشد با جلال ابدی بچنک آرند اا مسخنی صحیح است که اگر باوی مرده ایم باوی نیز خواهیم زنده ١١ شهر * أكر تحمل ورزيديم باوى نيز مسلط خواهيم كشبت واكر انكار ۱۳ ناتیم اونیز ما را انکار خواهید نمود * اکرین ایان کرویم او خود امین ۱۷ باقبی می ماند وخودرا انکار نمی تواند نمود * این چیزارا بار ده دور حضور فداويد بيوسة ايشانرا ورشهاوت تاكيدناك با بكدير مجاوله نعایندکه جر واژگون نموون شنوندکان ویر کارسازی اروی نمی ه شوو * وكوشش ناكه خودرا از مقبولان وركاه فدا سازمي چون ١٧ عاملي كه شرمنده نكرور وور شرح كلام حق باستفامت باشد * واز یاوه کوئیهای هرزه کناره کیرکه نر یاونی می وینی ترقی خوهند ممود ١٧ * وسخى آنها چون خوره پيوسة ورتفحص قونست وجمنايوس ۱۸ وفلیتس هم از آنان می باشند * که ایشان از حق منحرف کشته اندك قائلند بآنكه قبامت قاير كشته است وايان بعضيرا ١٩ اتراف ميرهند * هرچند اساس فدائي مستحكم است واين مهررا كرفة است كه مي شناسد خدا آناني راكه زال اوميباشند ليكن ۴۰ باید که هرکس که باسر مسج تعلم می ناید از ناراستی وور باشد * وور فانهٔ درکان نه مهمین ظروف طلا ونقره است بلکه چوبی وکلی

روع به تيمونيوس * ١ * ٢ *

ایم نیز میباشد بعضی بجهت عرب وبعضی بجهت خواری *بس هرگاه کسی خوروا از این آلوده کیها پاک سازو ظرف عرب خواهد بود و وه قدس ونزد مالک با قرب و بجهت هرعمل نیکو و ایم آماده است * وازخواهشهای جوانی هزیمت قا ودر بی راستی و بایان و محبت و صلح با جمه آنان که اسم خداوندرا از ول پاک سهم میخوانند باش * واز مسائل نا معقول و نا مربوط انجاض فا زیرا نیره که خود میرانی که اینها موجب نواعها می باشند * و نبایست نیره خداوندرا که جنک ناید بلکه با جمه حلم ورزو ومیل بتعلیم در و و میال تعلیم می و اشتر متحمل عذاب کردو * و منازعانوا بحوصله حالی ناید چه شاید بیراری رائی یا نبدکه از وی کرفتار شهار بنوعی که خواهش اورا بیراری رائی یا نبدکه از وی کرفتار شهار بنوعی که خواهش اورا بیامی آرند

باب سيم

ا واین را بدان که اوقات صعب ور زمان آخر خواهد رسید * زیرا که خواهند بود مروم خود دوست وزر پرست ومغرور ومتکبر وکفر هم کو وتا فرمان والدین حق ناهناس مبیرین * بی الفت بیوفا می خبث کننده بی پرهیز بی حلم با خوبان بی اعتنا * فاین کم حوصله معوس کننده وعیش را بر خدا ترجیح میرهند * صورتاوین وار ومنکر حقیقتش میباشند از این چیین اشخاص انماض نا به وارین مقوله اند آنان که جانها ور آمده ضعیفهائی را اسیر میناند و خواهشهای کواکون کشیده میشوند میناند و کاهی بمعرفت راستی نمی توانید رسند * که * ویبوسته می آموزید و کاهی بمعرفت راستی نمی توانید رسند * که

وويم بر تيمونيوس * ٣ * ١١ *

چون بنیس و بمبریس که مخالفت نمووند موسی را ایشان نیز راستى را مخالفت مفايند ومرومي ميباشند فاسد العقل ومردود ٩ الابان * ليكن بعد ازين ترقى نخواهند كرواز آنجا كه ويوانكى آنها بر مه واضح خواهد كشت چنامي ويوانكي انها نيز ظاعر كشت ١٠ * ليكين تومستحضرى از تعليم من وكذران ومرار وا يان ودوصله اا ومحبت وصبر ومصيبتها وعذابهائي كه ورانطاكت واكانه واسطرا یر من واقع کشت که چه مقدار زحمت کشبیرم وفدا وید از مهمه ١١ مرا رائي بخشيد • وجه آنان كه ميخواهند تدين ورزند ورمسيج ١٣ عيسي رحمت خواهند كشبير * واشخاص بد ومكّار ترقى خواهند ۱۱ نمود به پستی ور فریبنده کمی وفریب خوری * لیکن تو در آنچه آموخة وعقيره نمورى با برها باس كه ميراني از چكس آموخة ٥٠ * واينكه آموضه از طفوليت آن نوشتهاي مقدس اكه مي نواند تورا فهیم سازو ورآن نجانی که ورایان بمسیم عیسی هست ١٧ * هر نوشته از الهام فداست و عبهت تعليم و حجت واصلاح ۱۷ وتربیت ور عدالت مفیر است * تأکه مرو خدا مستعد و عبهت هركارنيك مهيا إشد

باب جهارم

ا پس من در حضور فدا وعیسای فداوند که در ظهور خود وملکوت اخود بر زیره کان ومرده کان حکم خواهد نمود بر این قول الهتم *که ندا بکلام نا وور فرصت وغیر فرصت ورحضور مداومت نا وخبت ار وملامت نا ورعوت کن با کمال دوصله ومعلمی * از آنجا که خواهد رسید هنگامی که تعلیم صحیح را متحمل نخواهند شد بلکه خواهد رسید هنگامی که تعلیم دويم بر نيمونيوس * ١٠ *

سامعة خوارش وار خواهند واشت كه معلمازا برحسب راى م خور انبار منایند • وسامعرا از راستی منحرف ساخته بسوی ه افسانها خواهند كرائيد و ليكن نو ورهر امر با خبر ومنحمل شدايد باش وجا أر فعل مروه أوررا وفدمت خوورا بانتها رسان و وزراك حال من بتعليل ميروم وهنكام رحلت رسيد است * وركوشش نيكو كوشيده ام ووور خوورا باتام رسانيده ام وايانرا ٨ نكاه واشته ام * خلاصه تاج صداقت بحبهت من كذاروه شده است كه فدا ودك ماكم فاراست من ورآنروز عظ خواهد فرمود نه مرا وبس بلك جمة المانى واكه مشتاق ظهورش ميباشند ١٠ * تلاش ناكه زود بنزويك من آئي * زيراكه وياس از حب اين ونيا مراكناشة بتسلنيقي رفت وكريسكنس بكلاتم وتيتس اا بدلماتير رفتند ولوقا بتنهائي بامنست * ومرقس را بهمراهي خوو ١٢ كرفة مياوركه ورفدمت بجهت من كارسار است * وتخلس را ١٣ بافسس فرستاوم * والابوش راكم ور ترواس نزو كريس كذاشتم ١٧ چون أئى بياور وكتابهارا خصوصاً بوستهارا نيز بياور • اسكندر أهنكر بسبار بدبها بامن نمود فلافد اورا برحسب افعالش جزا ١٥ وهد * تونيز ازوى إ حذر إش زيراك كلام ارا بابرام مخالف ١٧ ممود * ونخستين باركم جواب وادم أنهارا بي كس با من رفاقت نه نمور بلكه بهم مرا را نموزم واسيراست كه باين كرفته تشوم ۱۷ لیکن خدا وند به بهلوی من ایستار وقوت بخشید تا ندای من بمنتها رسد وهمكى قبائل استاع غايند واز وهن شير رستكاري ١٨ افتم * وفداوندك مرا از هر عل زشت محفوظ خواهد واشت رويم تيمونيوس * ٢ *

وتا بملكون آسمانی خود ناجی خواهد واشت تا ابد الاباد اورا ۱۹ جلال باد آمین * در سكله واقله وخاندان انیسیفرس را سلام ۲۰ رسان * اراستس ور قرنفس ماند وترفیمس را ور ملیتس بیمار ۲۲ رانمووم * وجهد نما كه قبل از رمستان آمره باشی * اوبولس وپوونس ولینس وقلود و مهمكی براوران تورا سلام می رسانند ۲۳ * عیسای مسیح خلافد باروم تو باد وتوفیق با شما باد آمین

نامهٔ پولس حواری به تیسس

باب اول

ا پولس نبره خدا و حواری عیسای مسیح بجهت ا بان بر کزیده کان خدا و بحبهت اعبان بر کزیده کان خدا و بحبهت اعبان است خدا و بحبهت اعبان است است به بامید حیات جاویدی که خدای صاوق از از من قدیم و عده نموده سه بوو * وور هنگام معین کلام خورا آشکار نموده است بندائی که به بر حسب حکم را نانده ا خدا بمن سپرده شد * به تیشس فرزند حقیقی ور ایان مشترک امیخواهد که فضل و رحم و آرام از م جانب خدای بیر و عیسای مسیح خدا و در باننده ایر تو باو * بدین جهت تورا ور قریتی کزاشتم که امور باقنی المده را ورست نائی و کشیشها را شهر بشهر مقرر کنی به بحوی که من بتوامر نمودم * هرکاه شخصی یافت شود ار تهمت بری وصاحب یک زن وفرزندان محمد مقرمن خالی از تهمت بی مبالاتی واز کردن کشی * را نرو که

اسقوف را ضروریست که از تهمت بری باشد چون ناظراست از جانب فدا وفور برست با تند حراج یا می برست یا مردم آرار ٨ ويا نفع طلب نباشد * بلكه غريب نوار ومحب نيكان وسنحيده ه وعاول ويك فطرت ويرهيزكار * وتشك جوينده بكلام معتبر بطورید تعلیم یافته است نا آنکه تواند هم تسلی بخشد وهم بر امخاصان حجت تام ناید به بیانی صحیح * از آنجا که بسیاری ميبإشندكه كرون كش وإوه كو ومكازيد خصوصاً أنان كه ازاهل " ختن مياهند كر زبان آنهارا بايد بست كه ايشان فاندان ارا بالكليه وازكون ميكروانند وجههت قليل نفعي خبراي ناشايسترا ١١ تعليم مي نايند * چ مكي از ايشان كه ييغمبري از قوم خودشان می بور گفته است که قریتبان جمیشه وروه کو ودیوانات بر ۱۱ وشکمهای کران هستند ۱ این شهاوتیست راست وبدین ١١ حبهت آنهارا بدرشتي معاب غاكه ايانشان صحيح باشد * وبر افسانهای برود واحکام مروانی اعتنا نه نایندکه راستی را احراف ٥١ ميرهند * باكانوا هر چيز باكست والودهكان وبي ايانان الهيج چيز باك نيست بلك وانش ونفس آنها نيز ملوث شهره أست ١١ * أرعاى معرف فدارا منايد وفعلًا منكر ميباشندك كثيف وكرونكش وبحبهت بهيج امرنيك مصرف ندارند

۳ و تو بان سخنانی که موافق اعتقاد صحیح باشد تکلم نا می بیران را باید که هوشیار و با وقار و سنجیده وور ایان و محبت و صبر مستقیم ۳ باشند * وزنان بیر بهمان طور ور اخلاق چنان باشند که مقدسانرا

زيير نه غيبت كنند وله مقير بشراب بسيار باشند بلك مائل ٨ وآمونتن نيكي باشند * كه زنان جوان را اوب سياموزندكه ووست ه شوهر وفرزند وميانه رو وباعصمت وفائدنشين ونيكو فلق ومطبع شوهران باشندكه مباوا نسبت بكلام فداسخن نا شايسة كفته ٣ شود * وبهمين طور نيز مروان جوان أ نصيحت ناكه ميانه رو باشند * وتو خودرا ور هر امر از اعمان نیک نمونه نا وور تعلیم ۸ صحت ووقار واخلاص را ظاهر ساز * بكلام صحبحى كه بر او نكته نتوان كرفت كه خصم فعجل كرور ومطاقا نتواند ور بارة شماسخن و نا شایسته کوید * وملاز کارا حکم ناکه آفایان خودرا اطاعت نایند ١٠ ور هرام ربنوع خوشي نه آنکه حاضر جواب باشند * وفاينان نباشند ملكه كمال المنت را ظاهر سازند تا آنكه قواعد نجات وهنده ما ۱۱ خدارا ور هر امر زینت وهند * زیراکه نونیق نجات آور خدا بر ۱۱ تامی خلق ظاهر کروید و وارا مرنیست که بیرینی و فواهشهای ونيويرا انكار نموه بميانه روى وعدالت وندين وراين جهان ۱۳ زنده کانی نائیم * ور انتظار آن امید خبسته وظهور جلال خدای ١١ عظيم ونجات وهندة ما عيساي مسيم لك خوورا ور راه ما تسليم نمود تا آنکه مارا از هر قسم كرفتاري رائي بخشد تا يك نايد ١٥ بجهت خود طايفة مخصوصيرا غيور در اعمال نيكو * اين چیزهٔ تکلم نما ورعوت کن وملزم ساز با کمال قدرت وہیج کس

باب سیم فلق را محزک شوکه ارباب ریاست واقتدار را مطبع ومنثار 524 اشند و جهت هرکار نیک مستعد باشند * و پیچ کس را بد
 نکویند و صلح جو و حلیم و با نهایت افتاده کی با مه خلق رفتار ۳ نایند * زیراک قبل ازین ما نیز می فهم وکرونکش و کمراه ور تبد لرات وخواهشهای کوناکون وا بغض وحسد هم عنان ٨ ولايق تنفر خلق ويكركرا وشهن مي بوديم " ليكن چون عنايت ه وشفقت نجات وهنده ما خدا آشكار اكرويد * نه بجهت اعمالي كم از ما بصداقت صاور شده بود بلکه از راه رحم خود مارا نجات و بخشيد بغسل تولّد ثاني وتجريد بروم القدسي * كه أنرا بوساطت · راندهٔ ما عیسای مسیج برما بفراوانی ریخت * تا آنکه ار فضلش ار عاولان شمروه شده اميروار وراثت حيات جاويد كرديم ٨ * سخني است متين وميخواهم كه مهواره تو در اليمقرم كفتكو عائی تا آنانی که بر خدا آبان آورده اند تفکر نایند وور اعمال نیک سبقت جونيدك مروم را أين چيزا مناسب ومفير است ٩ * ليكن از مسائل نا معفول وأز نسب نامها ونرعها وجنكهاى ١٠ متشرعانه اعراض نما از آنجاكه بيمصرف وعبث ميباشد * واز " شخص بدءت كذار بعدار مكرو وفعه نصبحت اعراض نا * از آنجا که میرانی که اینجنین شخص برکشته است و بحکم خور کناه را ١١ مرتكب ميشور * وچون كه ارتاس يا تخكس را بنزوت روانه نايم سعی ناکه ورنیقبولی بنزومن آمره باشی که آراوه وارم که ورانجا ١٣ رمستانرا بسر بروه باشم * ريناس فقيه وابلوس را بكوشش بدرقه ١١ نا تا آناء أنهارا مطلقاً احتيابي نباشد * وأنانيراك ارأن ما ١٥ ميباشند بايست كه ورشغلهاى نبكو مشغول باشند * بجهت

م تيتس * ٣ *

کارسازی تاکه بی شمر نباشند وجه آنکسان که جمراهند سلام ۱۲ میرسانند * واشخاصی که مارا ور ایان ووست میارند سلام رسان وتوفیق با جمکی شما باوآمین

نامة بولس حوامي بفليمون

ا پولس بندهٔ مسیح عیسی وتیمونیوس برا در بفلیمون که محبوب ٠ وبمقطار است * وابقي محبوب وارفيس هم معركة ما ٣ وبكليسيائي كه ور فانه ات ميباشد * (ميخواهند) كه فضل وارام ۸ ار دانب بدر ما خدا وعیسای مسیح خداوند بر شما بار * خدارا شکر ه می نایم وپیوسته ور وعالی خود تورا یاد می آرم * از آنجا که محبت تورا وا بأنى كه نسبت بخدا وند عيسى ويمكى مقدسان وارى مي ۷ شنوم «بنهجی که شراکت تو ور ایان باعث می شود که اعتراف · اید بامی خوبیهائی که ورشا میباشد ور مسیم عیسی موبدرستی ك سرور وافر وتسلى ازمعبت تو جبهت ما قاصل أست زيرا که ای براور از تو نفس مقدسان ور آرام است * بدینجهت من بأوجور آنكه كمال جسارت أر مسيج وأرم كم بانجه مناسب و است بر تو حكم نايم * لين مرا خوش مي آيد كه از راه محبت از تو الناس نايم از آنجاكه من كسي نمي باشم جز پولس بيروحال ١٠ نير اسير عيساى مسيم * خلاصه از تواستدعا مي نايم ور حق فرزند ١١ خوركه ور زميرا از من بديرار كشت بعني انيسمس وكه بيش

بفليمون

ازين بجهت توبيمصرف دالحال هم تورا وهم مرا مصرف دارد ١٣ * كه أورا فرستارم وتو أورا يعني نفس مرا قبول نا * وميخواستم که اورا نرو خود نکاه وارم که جای نو مرا وربندای مژوه فدمت ۱۷ ناید * لیکن خواستم که بی استرضای تو امری مرتکب نشوم تاکه ٥٠ احسان توبتكلُّف نباشد ملكه أزروي رضا باشد * وشايد كه مرتى ارتو رورافتار بدينجهت بوركه ريكر باركشة بيوسة باتو بوره باشد ١٧ *ليكن نه چون بنده للكه فوق بنده چون براور محبوب بچند مرتب ١٧ مرا پس بچند مرتبه افزون تورا هم جسماً وهم در خداوند * پس اکر ۱۸ تو مرا رفیق میدانی اورا چون من قبول فرها و واکر ضرری بتو ١٩ رسانيره است يا چيزي مقروضست آنرا بمن حوالت ما ممن كه بولسم برست خور نوشتم كه من اوا خواهم نمود وغميكويم اين را ۲۰ که تو قرض دار من هستی * ای برادر بکذار که من در خلاوندار ١١. تو منتفع شوم ونفس مرا ور خدا فيد آرام بخش * چون جرم واشتم كه اطاعت مي نائي بتو نوشتم ويقين است كه زيار از آنچه كفته ۲۲ ام خواهی کرو * وهم بجبهت من مکانی معین کن زیراکه ۱۳ امپروارم که از وعالمی کشما بشما باز واوه شوم * ابفراس که هم ۲۷ محبس من در مسیم عیسی می باشد * ومرفس وارسترفس ١٥ ووياس ولوقا جمقطاران من تورا سلام ميرسانند * توفيق خدا ومد ما عيساى مسيح با روح شما بارآمين

نامة پولس بعبريان

باب اول

خدائی که وراوان سلف ورقسطهای متعدده ووجوه مختلفه باجداد ما بوساطت ليغمبران تكلم نمود * ورين آيام آخر با ما تكلم نمود بوساطت بسر خووكه اورا وارث جميع اشيا كروانير وبوساطتش ٣ عوالمرا خلق نموو * واو تابش جلالش وسكة وجورش بور وبمكي اشيارا بحريان قوة خورمتعمل كشة كنابان مارا بنفس خورمعو نموره بر وست راست فدای قاور مطلق ور علیین جلوس ٨ فرموه * واز فرشتكان بمقدار عظم الم خووكه بميرات أيف از ه آنها بزركتراسي * أز آنجاكه بكرام يك از ملائكه كاهي فرمود كه تو پسرمن ميباشي ومن امروز تورا توليد نموده ام ويا آنك من ٧ پدراو واو پسر من خواهد بود * ونيز چون نخستين مولودرا مكيتي · در می آورد میکوید که جمکی ملائلة خدا اورا سعیره نایند * وور حق فرشتكان ميكويركما وست كه فرشتكانرا ازروم مي سازو وملازمان خودرا شعلة آتش * ويسررا چنين كه اى خدا تخت تو تا باير الابار ۹ است وعصاى ملكوت تو عصاى راستى است * توئى كه راستى را روست راشة وناراسنى را وشمن لهذا فداى تو ١٠ مسى كرد عطرسروررا بر توبيش از آنچه مسى كرو برفقاى تو ونيز كه أي فدافيد تو زمين را بنا نهارة وسموات صنائع وسنهاى

۱۱ تست * اینها فانی می شوند و باقی میمانی و اینها تامی چون الباس مندرس می شوند * و تو آنها الباس خواهی پیچید و آنها تغییر خواهند بریرفت و تو بهانی وسالهای تو نقصان خواهد ۱۳ یافت * و نیز بکدام یک از فرشتکان کاهی فرموده است که بنشین ور وست راست من تا هنگامی که وشمنانت را ۱۷ لکرکوب بابای تو سازم * آیا که نیستند آنها مهمه ارواه خاوم که فرستاده می شوند بجهت خدمت آنانی که نجات را بیراث خواهند یافت

باب دويم لهذا ضروريست كم آبجه شديره شد نهايت وقترا جا اريم ۲ مباواکه کاهی فراموش نائیم * از آنجاک چون آن کلام که بوساطت فرشتکان کفته شد بر قرار کروبدکه هر تجاوز وتغافل ۳ سزای سزاواررا یافت * چکونه ما رستکار کرویم کر زانکه از چنین نجات عظیمی غافل باشیم که زکر آن از خدا فد آغار شده از م آنان که شنیزند بر ماثابت کروید * وفدا بامور عجیب وغریب واقسام معجزات وكرامات روح القدس كمر رحسب أراوة خور ه تقسيم نمود با آنها شهاوت ميراد * خلاصه كم أن جهان مستقبل راکه ورآن تکلم می نائیم در تحت فرنشتکان ور نیاورده است * لیکن شخصی ور مقامی فرموده است که چیست انسان که تو اورا بخاطرِ میكنرانی وفرزند انسان که در وی توج میفرائی * تو تا مرتبی اورا کسمتر از فرشتکان واشتی واورا بعزی واکرام متوج نمووهٔ وتو اور برکارای وسنهای خود کماشتی * وهر

چيزرا ور تحت اقدامش نهارهٔ وچون هر چيزرا محکوم اونمود بهيج چیزی را نکذاشت که محکوم وی نباشد لیکن هیوز نمی بینم که ٩ هر چيز محكوم او شده باشد * وجال مي بينم عيسي راكم چند كاهي بست تر از فرشتکان می بود وبسب غزاب مرک بعزت واكرام متوج شد زانروكه از فضل فدا لازم بودكه او ور راه هركس ١٠ مرك رأ بچشد * زانرو كه آنكسي رآكه بهمه بجهت او وبوسيلة او هست شدند شایسته بود که در درآ دردن ابنای کثیربرا در جلال ۱۱ که بیشوای نجات آنهارا از راه عذاب کالم کرواند * زانروک مقدس کننده ومقدس شده کان بهمه از یک میباشند لهذا از ۱۱ خواندن آنهارا براور خجل نمی شود * که میکوید اسم تورا ورمیان برا دران خود مشهور خواهم كردانيد وتورا درميان جماعت حمدخواهم ۱۰۰ نمور * ونیز من بروی توکل خواهم نمور ونیز اینک من وفرزندانی ١١ كه خدا بمن واوه است * وچول فرزندان ور جسم وخون شركنداو نيز ورآنها برتساوي حصه يافت تأآنكه بوسيلة مرك ٥ صاحب اقتدار مرك يعنى الليس را تباه سازو * وآناني راكه از ١١ ترس مرك جمة عمر كرفتار بنده كي بووند رائي بخشد * كه جسم ۱۷ نورشتکانرا نکرفت بلکه جسم نسل ابراهیر را کرفت * پس بایست که ورهر امر مشابه براوران باشیدتا آنکه کاهن تررک رحيم وامين باشد ور هرامركه فدائي باشد وركفارت كنابان ١٨ خلق * كه چون خور عذاب كشيده تحربه مانت مي تواند كه تحربه بيننده كانرا وست كيري غاير

بعبريان * ٣ *

با سيم

ا پس ای براوران مقدس که در وعوت آسمانی شریکید بنکرید رسول وكاهن بزرك برحسب اعتقاد مارا يعنى مسير عيسيرا ٢ * كه امين بور تعين ناينده خودرا چنائيه موسى نيز ور تام مه خاندانش می بود * واینکس لیاقت عرت را بیش از موسی وارو بقدرى كم سازيرة فانرا حرمت بيش از حرمت فانه اسب ۴ * زيرا هر فاندراكسي سارو وآنكه هر چيزرا ساخة است فداست * وبررستی که موسی امین بود بر جمکی فاندانش چون فاومی ا جهت شهاوت بر آنچيزاك بعد از آن كفتني بود * اما مسيم چون پسر بر خانهٔ خود ومائیم خانهٔ او بشرطی که اعمار و فخر امیدرا تا انتها استحام نكاه داريم * پس چناچه روم القدس ميفرانيركم اكر آوارش را امرور مي شنوير * خوورا قصى القلب مسازيد و چنامچه در اوان بخشم آورون وا يم امتحان در سابان * جائي که پدران شما مرا امتحان کروند و آزمووند تا مدت چهل سال ١٠ افعال مرا مي نكريستند * پس ير آنطايف خشم كرفتم وكفتم كه ١١ پيوسة قلباكمراه ميشوند وراهاي مراندانستند * بنهجي كه ورخشم ١١ خود سوكند خوروم كه ورآرام من داخل نخواهند كرويد *اي برادران باخبر باشيركه وركسي أزشها ول شرير وبي ايان ۱۳ نباشد که از خدای حی دور شوید * بلکه یکدیگررا روز بروز استدعا المائير ما واميك امروز كفته مى شووك مباواكسى ازشما سخت ١١ ول كروو بترويركناه * زانروكه ور مسيح شركا ميكرويم بشرطي كه ٥١ ابتداى اعتاورا تا انجام محكم بينك زنيم * ما وامي كفته مي شووكم امروز اکرآوارش را می شنوید ولهای خودرا سخت مرارید چنای امروز اکرآوارش را می شنوید ولهای خودرا سخت مرارید چنای ۱۹ ایشان ور هنگام تحریک خشم واشتند * از آنجا که بعضی شنیده تحریک خشم می نموزند لیکن نه جهل سال خشم واشت آیا نه بر آماند * پس با کرام اشخاص چهل سال خشم واشت آیا نه با آنان که عاصی بوزند که اعضای آنها ور بیابان افتاد نه و بحریت کرام اشخاص سوئند یو فرمود که واخل آرامش ۱۹ خواهند کشت جربی ایجانان * پس معلومست که بسب بی ایجانی نتوانستند که واخل شوند

باب چہارم

ا پس باید بترسیم که بعد از آنکه وعده بداخل شدن در آرامش کروه ٢ شد مباواكسى ازشما چنان عايدك قاصرآيد وزانروك ما نيز مروه چون آنها واوه شدليكن آنهارا شنيدن كلام سود نه بخشيد زانرو ٣ كه با ايان ور شنوندكان ور نيامد * وأكم اليان آوروي واخل ارام دستیم چناچه کفته است که در غضب خود سولند بار کروم ك وافل الخواهند كشت بآرام من وحال آنك افعالش از » بنای عالم بانام انجامید * وروز هفتمرا ور مقامی باین طور فرموده است که خدا در روز هفتم از انام بهکی افعال خود آرام کرفت ه * ليكن با وجود اين ويكر بار وراينجا ميكوندكه واخل آرام من و نخواهند كرويد * بس چون حاصل اين است كه بعضى واخل آن میشوند وآنهائی که پیش مروه را یافتند بسب بی ا بانی واخل نشدند* وباز روز ویکربرامحدود میفراید از آنجاکه بربان واود بعد از مرت طوبلى بلفظ امرور اشاره ميفرايد چنانچه كفتر است

^ که امروز اکر آوارش را بشنوید ول سخت مکروید * واکریشوه ٩ أنهارا أرام داوه بود وكر روز ويكر بعد ازين نمي نمود * ماصل ١٠ أناء بجهد طايفة خدا أرام كرفتن باقيست * زازوك واخل آرام او شده است خود از افعال خودآرام كرفته است چنانجه " خدا از اعمال خویش * پس بکوشیم تا راخل آن آرام شویم که مباوا بر وفق آن نمونه بی آبانی کسی بیفتد * زانرو که کلام خدا زنده ومؤثر وبُرنده تر ارشمشير رو رمه وفرو رونده تا شکافتن جان وروم ومفصلها ومغرا ومحقق تصورت وتخيلات قلبي است ۱۳ وایج خلقت ور بیشش مخفی نیست بلکه مهم چیزا برهند ومنكشف است بيش چشمان آنكس كه مارا با او سروكار است ۴ * پس چون واریم کاهن بزر کی را که از آسمانها ور کنرشت یعنی ٥٠ عيساي بسر خدارا بس أين اعتقاد تمسك جوئيم * زيراك نداريم چنان کاهن بررکی که همررو نباشد با شکستگیهای ما بلکه چنانکه ١٧ تحربه شد ور هرامرا مشابه بود جز وركناه * پس نروبك آئيم! جرأت تخت توفيق ا تأكه سيابهم رحمت را وبكيريم توفيق را معاون باشد ور هنكام احتباج

ا هر کاهنی بزرک که از میان خلق اختیار میشود ور امور آلهی وکیل خلق مقرر شده است تا آنکه هدایا وزبائی را بههت کنال بگذارد * ومی تواند که با جاهلان وکمرایان مهربانی ناید از سه آنجا که ضعف بر وی نیز محیط میباشد * وازین جهت باید که بیجهت خلق قربانی کذراند بجهت رفع

٨ كنابل * ويربي كس نمي تواندكه خود ابن عزت را براي خود اخذ ه عايد جرآنك از فدا مقرر شوو چون ارون * ومسيح نيز جهين قسم خود عزت کہانترا جہت خود اخر نہ نمود بلکہ آنکس بوی واو که ویرا کفت که تو بسر من میباشی ومن امروز تورا تولید ٢ كروهام * وچنانچه ور مقام ويكر نيز ميكويدك تو تا بايد كاهن میباشی ور صف ملکی صرق * واو چون ور آ بامی که ور جسم بور وعا ونبازرا نزر آنکس که برانبدنش از مرک قادر بور با فریار ٨ شديد واشكها مي نمود وبسبب عباوت مستجاب شد * پس باوجود آنکه پسر می بود از عذابهائی که می کشید اطاعت را آموخت * وكالم كرويره بحبهت تامي مطيعان خور سبب نجات أبدي ١٠ كشب * واز خدامخاطب بود بكاهن بزرك ازصف ملكي صدق ال م كه قصة أو طويل ومشكل التقرير أسب أز آنروكه شما ثقيل ١١ السمع ميباشيد *كه هر چند بسب طول مرت مايدك معلم باشيد ليكن باز محتاجيدكه كسى شمارا تعليم نايدكه نخستين مبارى كلام فداج چيز است وچنان ميباشيدك معتاجيد بشير ۱۱۰ نه باکل سخت * وهرکس که شیرخواره است آنست که ور ١١ كلام صدق نا آرموده است بلكه طفل است * وغذاى سخت زان کاملانست که ایشان از کثرت عاوت مرک خودرا قوی وارند بنوغى كهمميزنيك وبدمي توانندشد

باب ششم

ا پس حکایت مباوی مسیرا واکناشته بسوی کمال رو نهیم نه ایکه دیکر بار اساس باز کشت از اعمال پیجان وا بان بر خدا ٢ / وتعليم غسلها وكذاشتن وستها وبرفاستن مروه كان وجراى ٨ ابدى را نهيم * واكرفدا اجازت وهداين را خواهيم بجا آورد *كم آناني كه يكبار منور شدند وانعام أسماني الهشدند وورروه القدس ه شريك ميبووند * وخوش مره افتند كلام فدا وحقايق عالم ٢ أينده را * چون افتند محالست كه ويكر بار آنهارا بتوبه آرند چون ٧ پسر فدارا بسب خوو باز صلیب ورسوا می نایند * که زمینی که شرب مناید آن بارانی را که مکرر بر او می بارد ومیزاید کیاه نیکوئی را بجهت آن اشخاصی که ور آن کار می کنند از خدا مرکت می باید * وآنرمین که میرواید فار وشتر فاررا بی قرب ٩ ونزويك بنفرين است وانجامش سوئتن است * ليكن اي محبوان هرچند باین طور تکرم مینیم آیا ور حق شما چیزائی بهتر ا وقرين بنجات القين واريم الزآنجاكه خدا بي انصاف نيست که فراموش کند عمل شمارا وان محنت محبتی را که ور راه اسمش ظاهر کروید بخدمنی که میکروید ومی کنید مقترسازا " * وارزومندي كه هريك ازشما ممين كوشش ا وراستكمال اميد ١١ خورتا انجام ظاهر سارو * تا آنكه تغافل نوزييره بلكه پيرو باشيد ١٣٠ أناني را كه أز ايان وتحمل وارثان وعدها شدند * رانروك خدا وقتی که ابراهیم را وعده نمود چون سوکند بعظیم تر از خود نمی ١٨ توانست خورو بخور سوكند خورو * وفرمور بيقين كه من ركت ميرهم تورا بركت واونى ويبوسة تورا منتشر ميكنم منتشر كروني ١١ *بس صبر بجا آوروه آخر مواعيد كرويد *كه سوكند مي خورند مروم مازركتر از خوو وآنهارا وراثبات اشياسوكند قاطع تامي اختلاف

۱۷ میشود * وبر مهین وتیره چون فدا خواست که ظاهر تر سارو ١٨ استحكام اراوة خوورا بوارنان وهده سوكندرا ورميان آورو * تاآنك بسبب ووامركه تغثير بزير نيست دوروغ كفتن فلا در آنها محالست اطمينان كالم حاصل شود ماراكه كريختيم كه تا بان امیرکاهی تمسک جوئیم که بیش روی ما کناروه شده است ١٥ * وآدرا وأريم چون لفكر جان كه رأسم وبايدار است وفرو ميروو ۲۰ باندرون برده مرکه آنجا پیش روی م رفته است عیسائی که از صف ملكى صرق البركاهن بزرك است

ا واین ملکی صرف که باوشاه سلیم وکاهن فدای متعال که بر خود ابراهیمرا هنکامی که از شکستن پارشانان باز می کروید دور · حق او رعامی خیر نمود * وابراهیم عشر از بهمهٔ مال را باو واو واول اسمش ور ترجمه ملك صدق الست وبعد ملك سليم نيز يعنى ٣ شاه آرام * بي پدر وماور وبي نسب ونه آغاز آيام ونه انجام عمر واشت للك مشابر است پسر خدارا كاهنى است وايمي م *وملاحظه غائيدكه اين شخص چه قدر صاحب مرتب بودكه بزرك اه مدران ابراهیم نیز وه یک از غنائمرا بوی داد * وبدرستی که آن اشخاص از بنی لاوی که کهاندرا می یابند مکم وارند که بحسب شریعت وه یک را از قوم بکیرند یعنی از براوران خود ٧ هرچند كم ايشان نيز از صلب ايراهيم جاري شده اند * ليكن آنکس که ور نسب با آنها وافل نبود عشررا از ایرامیم کرفت والک مواعیرا وعای خیر نمود * وبی شک وشه بررگتر ور حق

بعبريان * ٧ *

^ كوچكتر وعامي خير منايد * اينجا اشخاص مروني عشررا اخذ منا بندا ما ورآنجا کسی که چنین مشهود شده است که زنده است و * وكوا لاوي كه حال عشررا مي كيرد بوساطت ابراهيم او نيز واو ۱۰ و زانروکه هنگامی که ملکی صرف بوی بر خورو ور پشت پدر خود اا بود * بس اكر كمال وركمانت لاوئي مي بود كه قوم بهان متشرع شدند ويكر چ احتماج بودكه از صف ملكي صرق كاهني ١١ ويكر مبعوث شود واز صف أرون كفته نشود * وأكر كهانت ١٠ منبرل شوولازم كه شريعت نيز متبرل ميشوو * كه آن شخص كه اينها ورشان او كفته شد ور طايفة شريك مي بودكه البيج ۱۱ کس از آنطایفه به قربانکاه نرویکی نمی نمود و و محقق است که فداوند ما طلوع فرمود از بروراك موسى ازكهانت ور بارة آن فرقه ١٥ بيج نفرمود * واوضح از آنست كه بمشابهت ملكي صدق ١١ كاهنى وير مبعوث ميشود +كه با شريعت أدكام جسمى نمي آيد ١٧ ملكه أ قوت صيات لايرالي * كه شهاوت ميدهدكه تو تا بابد ١٨ كاهن هستى از صف ملكى صدق *كه نسخ حكم مقدم ميشود وا بعلَّت ضعف ويسمصرفيش * زيراكم بني چيزرا شريعت كالل نكرو جرآنك واخل كننده بود اميد بهترى اكه بعلت أن نزويكي ٢٠ بخدا ميجوئيم * وچون مقرر نشد بدون آنك سوكند خورده شود ٢١ * وكاهنان ويكر بدون قسم مقرر ميشوند وليكن أو باسوكند از ظرف آنکسی که باو میکوید که فداوند سوکند خورد و تخلف نخواصد ٢٢ كروك توتا بابركاهن هستى از صف ملكى صرق * عيسى بهمين ٢٣ تفاوت ضامن بهان بهتر مي باشير * وآنهائي كه كاهن ميشوند

۱۹ بسیارند رانروکه مرک مانع از بقای ایشانست * آما او بعلت اه ایک تا باید باقیست کهانتش بیزوالست * لهذا او آن اشخاص راکه از راه او پیش خدا می آیند میتواند که تا آخر الام ناجی سازو از آنجا که پیوسته زیده است که بجهت آنها شفاعت وییضرر و تا آلووه و از کناه کاران متفرق ورفیعتر از آسمانها باشد ۱۷ و و و و تا آلووه و از کناه کاران متفرق ورفیعتر از آسمانها باشد ۱۷ و و و و تا کنان خود قربانی کنراند و بعد بجهت کنان خلق زائرو که ۱۸ چون خور اکنرانید این را بیک و بعد بجا آورد * وشریعت آن اشخاص را بر کهانت می کاروکه ضعف و ازید آما کلام موکد بسوند که بعد از شریعت بوده است بسراکه تا بابد کلل است

باب هشتم

ا خلاصة كلام كه ما چنين كاهن بزركى را واريم كه بريمين تخت ملام قاور مطلق ور عليين نشسة آست * وملازم است مكان مقدس وآن خيمة حقيقى را كه آبرا فداوند نه آنكه خلق برپا نموده است * وچون هركاهن بزرك مقرر ميشود كه هديها وقرانيها را بخراند پس ضرور بود كه اين شخص را نيز چيزى باشد كه بخراند به واكر بر زمين ميبودى كاهن نبودى زارو كه . بحسب شرع کاهنان هستند كه هديها را ميذرانند * وايشان بجا مى آرند ملارمت آجدرا نموذ وظل علوانست چنانچه بر موسى مناشف ملارمت آجدرا نموذ وظل علوانست چنانچه بر موسى مناشف كشت هنكامى كه ميخواست سارايد خيمه را كه ميكويد خبروار

باش که بساری مهمرا موافق آن نمونه که ور کوه بتونشان واوه ٤ شده بود * ومال آنام يافته است منصب افضل را چنانجه واسطه است بیمان بهری راکه مرتب است بر وعدهای بهر چ اگر میمان اول بی عیب بوری جائی بجهت بیمان دیگر مطاوب مُكِشت * واز راه عيجوئي بآنها كف اينك مي آيد أن أيم كه من فداوند ميفرمايد بر فاندان اسرائيل وفاندان ٩ برورا يهان نورا بانجام خواهم رسانيد *نه چون آن يهان كه با برران آنها نمودم هنکامی که آنهارا وستکیری نمودم که از زمین مصر بيرون آرم چآنها بهمان مرأ استوار نداشتند ومن واكذاشتم ١٠ آنهارا فرمان فلا فيد است * وفدا وند ميفرمايد اينست آن پيمان که بعد ازین اوان با فاندان اسرائیل خواهم بست که احکام خودرا ور فبهمهای آنها خواهم نهار ویر دلهای آنها نقش خواهم نمور ومن خواهم بور ایشانرا خدائی وایشان خواهند بور مرا قدمی ا * ودیکر جیچکس آلشنای خود وبراور خودرا معلّم نخواهد بود وخواهد كفت فلافدرا بشناس زيراكه ابشان از اولى واعلى تامى مرا ١٢ خواهند شنافت * چمن بر كبروبهاي آنها رحم خواهم نمود ودير ١٣ ياو تخواهم نمود كنابان وخطايي آنهارا * وچون يعان نورا وكر منابدا ول را کهنه ساخته است وانچه کهن وسآخورو است ور

باب نهم ۱ خلاصه آن خیرهٔ نخستین مشتمل بود بر آواب ملازمت و پیرایهٔ ۲ مقدس ونیوی * چه ساخته شد در آن خیرمه نخست جائی که در آن

چراغدان وابده وكذارون نابها بود واين مسمى است بمكان سمقرس * ويس از آن بروة وويم است كه مستمى است بمكان م اقدس " که مشتمل بود بر قربانگاه زرین وصندوق ایمان که اطرافش طلا كوب بور وورآن بور حقة طلائي از من وعصاي ه ارون كه شكوف نمود وود لوم يهان * ور الاي أو كروبيم با جلال كه برتخت مرحمت ساليه افكن ميبووند وحال هنكام تفصيل ٧ أبها نيست * خلاصه اين چيزا باينقسم آرسة شره كاهنان بخيمة · اول بجهت اوای لوازم فدمت دایم در می آیند * لیکن در خيمة ثاني كاهن برك تنهاور سالي يكبار ور مي آيد نه بدون ^ خونی که جههت خود وخطایی مردم میکنراند * وروم القدس باین اشارت میمود که ما دامی که خیمهٔ اول بر پاست راه مکان و اقدس كشاره نيست * وآن مثالي است تا مرتى كه ورآن مرت هدايا وقربانيهارا ميكرانندنمي توانندك عباوت كنندهرا ١٠ كالى كرواند ورنفس * چونك مشتمل است بمحض خورونيها وأشاميرنيها واقسام غسلها واحكام جسمى تا وقت اصلاح ا * ليكن مسيح فاضر شده كاهني بررك جبهت منافع آيده ور خیمهٔ بررکتر وکاملترکه از وسب ساخته نشیره است یعنی ١١ أربين قبيل صنائع نيست * ونه با خون ترا وكوسالها ملك با خون خود مکیار بمکان اقدس برآمده بعد از آنکه فدیه ابدی ایافت ١١٠ واكر خون كاوا ويزا وفاكستر كوسالة مارة چون بر آلورهكان ريخة ميشور أنقدار طهارت مى بخشيدكه صفاى جسم ماصل ۱۷ می شور * وبطریق اولی خون مسیم که بروج ابدی خوررا قربانی

مب**را**غ بیش خدا کنرانبد نفس شمارا از اعمال مرده صفا نخواه**م**د ٥٠ نخشيرك تا خداى زندةرا عباوت غاتيد * وازين روست كه واسطة بيمان نواوست تا ازمركى كه واقع شد بجهت مكافات خطایائی که ور پیمان اول شده بود خوانده شده کان بیابد وعدهٔ ١١ ميراث ابديرا * چه هرجائي كه وصيتي متحقق ميشود ناچار ١٧ است از مرك وصيت كننده * زانروك وصيت ثابت ميشود از مرك وماواميك وصيت كننده زنده است استحكام ندارو ١٦ * پس پيمان نخست نيزيي خون متحقق نشد * كه چون موسى كفت بمكى احكام شرعى را بيش بمكى خلق كرف خون كوسالها وبزارا با أب ويشم قرمز وروفا وهم بركتاب وهم بر ٢٠ معبموع قوم باشيد * وفرموركم اينست خون آن يعان كه خدا با ١١ شما بسة أست * ونيز برخيمه ويمكي اسباب فدمت بإشير بر ٢٧ جمين سياق * وقريب لخام آلوده كيها بحسب شريعت از ٢٣ خون پاک مي شور ولينځون ريزي عفوي نمي شود * پس ضرور بود نمونهای اشیائی که در آسمانند باین قربانیها وخود اشیا ١٨ آسماني با قربانيهاي افضل از اين المصفى شوند * چر مسيم بمكان مقدس كه از وست سافته شده ونمونة مكان حقيقي است ورنیام بلکه باصل آسمان ورآمد وحال برای ما پیش خدا حاضر ٢٥ ميباشد * وضرور نبووك خوورا مكرر بكفراند چنانجه كاهن بزرك ٢٦ هرساله با خوني كه از غير اوست بمكان مقتس ورآيد * زانروك بايست بارا از آغار جهان وفات كروه باشد وحال آنك ور اواخر ١٠٠ أيم يكبار ظاهر كشب تاكناه را بقرباني خود نا چيز سارو * وأنجنان

بعبريان * ٩ * ١٠ *

۲۸ که برمروم کیبهار مرون وبعد از آن جزا یافتن مقرراست *مسیح نیز بر همین ونیره کیبار بحبهت بر واشتن کنانان بسیاری قربان شد وویکر بار معرا از کناه ظهور خواهید نمود بحبهت نجات آنان که منتظرند اورا

باب دهم

ا وچون شریعت را ظلال خوبههای آیده است نه اصل شبیر امور بود بس هركز نمي تواند كه كالم كرداند مقربان را بآن ۲ قربانیهائی که پیوسته هر ساله میکنرانند * ورنه چرا کنرنیدن آنهارا موقوف نمی کروند زانرو که عباوت کننده کان بعد از آنکه ٣ كيبار مبرا شدند ويكر ياو كناان نمي نمووند * ليكن بآن قربانيها ٣ هرساله باو از كنابان مناير * چمكن نيست كه خون كاوا ه وبزیا کناه را رفع ناید * لهذا چون بدنیا ور می آید میکوید که نو ٢ قرباني وهديرا تخواسني وبدن را براي من آراسة * واز ٧ قربانيهاى قام سوخته وهديهاى كناه راضى نبودى * وانكاه من كفتم اينك مي آيم چناچه ور صحيفة كتاب ور شان من مکتوبست تا ای خدا مشیت تورا جا آرم * وچون ور آنچه مذکور شد میویدک قرانی وهدیه وقرانی ای تام سوفته وهدایای کناانرا نخواستی ومال آنکه اینها ور شریعت کزرانیده میشور ٩ * أنكاه فرمور اينك من من أيم ما أي خدا مشيت تورا جا أرم ١٠ أول را نفي منايد تا اليرا الب غايد * بس ماكه بهرا اليم باكذارون اا بدن عيساى مسيح كيمرته بآن مشيت مصفا شديم * وبررسشي ك هر کاهنی هر روزه در یا ایستاوه خدمت مناید ومکرران قر انهارا

بعبريان * ١٠ *

١٢ مينراند كه هركز نمي توانند كناازا رفع نايند * لين او بك قربانی جهت کنانان کنرانیده تا باید بروست راست خدا ١٣ نشسة است * ومن بعد منتظر است تا وشمنانش لكد كوب ۱۱ با بهای او کروند که بیک قربانی تا بابد کالی کروانیده است ٥٥ مصفّا شونده كانرا * ونيز روم القدس برأى ما شهاوت ميرهمد ١٠ زانروكم بعد از آنك قبل كفت * كه خداوند ميفر مايركم اينست آن پیمان که بعد ازآن آیام با آنها خواهم بست که احکام خوورا ور ولهای آنها خواهم نهاو وور فهمهای آنها خواهم نکاشیت ١٨ * فرمودكه كنابان وخطاليي آنهارا وبكر ياو نخواهم آورو * وجائي كه ١٩ آنهارا آمرزش است وبير قرباني بجبهت كناه نيست * پس ای براوران آر آنجا که جرأت داریم بداخل شدن ور مکان ٢٠ مندس بسبب دون عيسى * ار طريق جديد حي كه جبهت ما از ۲۱ میان پروه یعنی از جسم خود مهمیا نموده است * ونیز کاهن ۲۲ بررک را بر خاندان خدا * لیش آئید با ول صادق وا یان کالمی ودلهاراً ارضمير مديك غائيد وبدن را بآب باك شست وشو ۲۳ کروه *واعتراف بامیرواری المحکم نکاه واریم رانروکه امین ١٧٧ است وعده كننده * ويكديكررا نكرسة بمحبث واعمال نيك ٢٥ تحريك نائيم * واجتماع با بكربكررا چنانچه بعضي را عاونست ترك نكنيم بلك وعوت فائيم بلكه بيشتر فائيم ار آنجاك مي بينبيركم روز ٢٧ نرويك ميشود * زيراك بعد از شناخش راستي هركاه عمراكناه ٢٧ غائيم ويكر قرباني جهت كناه باقى نيست * بلكه هست نوع انتظار هیب ناک جزا وغیرت آتشی که مخاصمانرا فرو خواهد

۲۸ کرفت * وکسی که شریعت موسی را تحقیر کروه است بدو سه ٢٩ شاهد بيريغ كشة مي شوو * يس ملاحظه غائيدكه أن شخص بچند مرتبه لابق عذاب شدیدتر است که پسر خدارا با بال نموده است وخون لیمان را که مآن منزه شده بور تحقیر نموره است ۳۰ وروم توفیق را جبر نموده است * زانروکه میرانیم که کیست که كفته است كه فدا ويد ميفرايرك مراست انتقام ومنم كه تلافي ۳۱ خواهم نمود ونيز ايك خدا وندار قوم خود حكم خواهد نمود * وبرستهاى ۲۰ خدای می كرفتار شدن بغایت هواناكست * واو آرید آیام سابق را هنکامی که منور شده متحمل شداید کران از عزابها می ٣٣ بووير * چ بسبب فضيعتها وعزابهاك تاشاكاه ميبوويد وچ بسبب ۲۸ رفاقت آنانی که با ایشان چنین سلوک میشد * از آنجا که ور نبدای من شریک بورید واراج اموال خوررا بخوشوفتی می پزیرفتید از آنجا که میرانستید که مال نکوتر و پاینده تررا ورآسمان ۲۰ بجهت خود وارید * پس دوری مکرینید از آن اعتقادی که ٢٩ مقرونست باواش عظيمرا مك لابد است از صبرى تأك ٣٧ مشيّن خدا را بجا آورده وعده را بچنک آريد * زانرو كه قليل مَرتبي آمکس که آمرنیست ظهور خواهد نمود وتاخیر نخواهد ورزید ٣٨ * وعاول از ابان زيده خواهد بود واكركسي متنفر باشد من ۲۹ ازو ول خوش نخواهم بود * لیکن ما از متنفرین نیستیم تا هلاک شويم بلكه از مؤمنينيم تا جازا مالك باشيم باب يازدهم

ا وا بان اعمار بر چیزائی که مرجو است ومرئی کننده چیزای نا

٣ مرنى مى باشد * ومتقدمين از جمين شهرت ياعته اند * وبسب ا بان مي يابيم كه عوالم از امر خدا آفريده شده است بنوعي كه م اشبائی که مرئی میشود از چیزای ظاهری بوجود نیامد * وابیل بسب ایان قرانی شایست تر از قائن را پیش خدا كنرانيد وبسبب آین از عاولان شمروه شد وخدا هدیهای اورا تحسین. قرمود وبسب آن ا بان باوجود کمه مروه است تا حال مذکور ه مي شوو * وبسب إ بان اخنوخ منتقل كرويد تا مركرا نديد ويافت نشد زانروكه خدا أورا منتقل نمود وبيش از انتقالش ٢ شهرت يافته بودكه خدا از وي راضي است * وجر با بان ممكن نیست که از کسی راضی شور چ آنکس که توج بخدا می ناید ماید این را معتقد باشد که او موجود است وآنانی را که در طاب وی ٧ كوشش منايد مكافات كننده است * وبسب ايان بووك نوج را منکشف کشت از اموری که غایب بود که خوف کروه كشتى بحبهت نجات فامان خور سانت وباين سبب اهل منیاراً مازم ساخت ووارث کشت راستی ا بانیرا * وبسب ا بان بورکه ابراهیم محرر وعوت اطاعت نمور بنوعی که بیرون آمره رفت بسوی مقامی که مقرر شده بود که مالک کروو پس ۹ بیرون آمر ومال آنکه نمیدانست که بکجا میرود * وبسب ا بان بور که در زمین موعود غریبانه می بود چون در زمین بیکانه وخيمه نشين ميبود باسحاق ويعقوب كه ور ميراث آن وعره ١٠ شريك بوزيد * زانروك انتظار مي كشيد شهر با بنيادي اك اا معمار وآ إوكنندة وى فداست * وبسب ايان بورك ساره نيز

قررت بركرفتن نسل يافت وزائيد بعداز هنكام جواني زانروك ١١ امين وانست وعده كننده را * لهذا ار آن يك شخص كه او نیز چون مروه بود چون عدو ستاره ائی آسمان وچون ریک اب ١١٠ ورياكه بيشمار است متولد كرويد * واينهم ورايان مروند وقال آنکه نیافته بووند مواعیرا لیکن آنهارا از دور دیده بقین نمووند وتهنيت كفتند ومعترف بورندكه جون بيكانكان ومسافرانند ور ۱۷ زمین * وآنانی که چنین تکلم مناید ظاهر است که ورجستیوی ٥١ وطن ميناشند * وأكر مقصد أنها أن وطني بوركه ازأن بيرون ١١ أمره بوزيد هرآئينه قدرت رجعت أنجارا واشتند * لين شايق وطن بهترین میبودند یعنی وطن آسمانی را لهذا حذا از خدا خوانده شدن جهت آنها منفعل نميكروو بلكه بحبهت أنها شهرى را ١٠ أراسته است * وبسب أ بان بود كه چون اراهيم تجربه كروه شده اسحاق ا بیش كذرانيد بلي بكانة خودرا كذرانيد آنكس كه ١٨ وعده ارا يافته بور * كه بوى كفته شدكه نسل نو از اسحاق خوانده ١٩ خواهد شد * زانروكه چنين مي پنداشت كه خدا بيرفيزانيرنش ار مرده کان قاور است بلکه اورا از اینجا ور مثل پیرا نمود ٠٠ * وبسبب ايان بودكه اسحاق ورحق بعقوب وعيسو ور باره ١١ چيزاي آينده وعاى خير نموو * وبسب ايان بوركه يعقوب هنگام رحلت هریک از بسران یوسف را وعای خیرنمود وبر سر ۲۲ عصای خودسیره نمود * وبسب ایان بودکه بوسف در هنگام وفات وكر فلاصى بنى اسرائيل را نمود ور بارة استخوانهاى خود ٢٣ حكم كرو * وبسب إيان بوركه چون موسى تولد إفت پررانش

اوراسه ماه بنهمان كروند زانروكه اورا وجسه إعتند واز قدغن بادشاهي ۲۲ نترسیزید * وبسب ا بان بود که چون موسی ازرک شد ۲۵ خواست که بسر وختر فرعون خوانده شود * که بیشتر بسندید که ور مصيب با قوم فدا شريك باشد تا آنك وركناه باشد بسبب ٢٦ خوش كنراني قليل مرتى * ومي پنداشت تفضيح مسيحيرا وولتي عظيم تراز خزاين مصر زانروكه ملاحظه مبنمود مكافات را ٧٧ * وبسب ا بأن بودك مصر اكزاشة واز خشم باوشاهي نينديشمير ٢٨ كه كويا غير مرئى را رويت نموره مستقل بور * وبسبب ايان فصح وفونياشى آبنا نهاركه مبادا مهك اولاو نخستين بزآنها ۲۹ وست نهر وسبب ایان بودکه از وریای سرخ چون از فشکی عبور نمووند ومصریان چون قصد نموده کررات عنا افتارند ۳۰ * وبسب ایان بورکه قلعهای بریجا بعد از آنکه هفت روز بدور ام آنها کشتند منهرم شد * وبسب ایان بورک رداب فادشه ا بى ا يانان ورم لكه شريك نبووكه جاسوسانرا بسلامت راه ميداو ۲۲ وويكر چه كوي كه مرا وقت كفاف تخواهد كرو اكر ور بارة جدعون وبارك وسمسون ويفتنح وراؤو وسنموئيل وليغمبران خواهم كه ٢٠٠٠ مفصلا بيان نام م كه ايشان از راه ا بان برممالك غلبه نموده وبه نيو كرواري برواخة وآخذ وعرها كرويرند ودهن شيرانوا بند نمووند ۲۲۰ وشدت آش را فاموش مووند واز ومهال شمشير رستكار شدند وار ضعف بقوت رسيزم وور جنك ولير شيزم ولشكراى ٥٠ بيكا كانرا منهدم ساختند * وزنان مره كان خودرا بافتند برفاست وبعضى كوفته كشنة وخلاصى را قبول نكروند تاكه قبامت بهتررا

۳۹ یابند * وبعضی در امتحان استهرا ا و تاریانها بلکه بنده ا وحبسها ۱۳۷ افتارند * وسنکسار شدند و از اره دو باره شدند دور شکنعه افتارند واز اره دو باره شدند دور سخته آواره ۱۸ می کشتند دیدوسته محتاج و متألم بودند دید رفتاری میدیدند * و با دورو آنه جهان لائق آنها نبود در سیابها و کوه افخار اوشکافهای ۱۸ رویده را نیاوتن میبودند * واینها مهمه بسب ایان مشهور شدند ۵۰ دویده را نیاوتند * که خدا در بارهٔ ما چیز نیکوتری را ملاحظه می نمود تا آنکه آنها کاروند جوا از ما

باب دوازدهم

ا پس انیز چون چنین ابر شاهدان را کرداکرو خود داری هر کرانی وكناه وامن كيررا بيرون كروه ور ميران معيني بي فستكي بدويم * وپیوسته ور بنا کننده وکالی سازنده ور آبان یعنی عیسی نکران باشیم که او بجهت آن سروری که منظورش بود خجالت را نا چیز انگاشته صلیب رامنحمّل کروید وبر وست راست تخت خدا ٣ بنشست * وملاحظه غائبيركه اين شخص چ قدر آن مخالفتي كه کناه کاران را ور ضد وی بورمنحمل می شد مباراک ول شکست م شده فسته شوید * وشما ور جهاو باکناه تا بخواریری هنوز نایسناوه ه اید * وان فاطر جمعی را فراموش کروید که شماراً چون بسران مخاطب منهاید که ای پسر حقیر مشار تنبیه خداوندرا وچون تورا ٤ مازم سازو فست مشو * زانروكه هركس راكه فداوند ووست وارو تنبيم مناير ونازيانه ميزند هر بسراك مي بنيرو واكرشا متحمل تنبیه می شویر خدا باشما چون با پسران رفتار نموده است *زانرو

^ كوكرام يسراست كه بدر اورا تنبيه نمي نابد * واكر نيابيران تبهيراك غامى ورآن شريك ميباشند حرامزاوهكان ميباشيدنه ٩ مرزندان * واكر بدران جسمي المنبخور واشتيم ومنقار شديم آيا ١٠ بطريق أولى مدر روماني خودرا اطاعت تكنيم وزنده باشيم *ك بدرستى كه بحبهت فايدة قليل مرتى بنوعي كم مظنه واشتند تنبيه منمورند واو جبهت نفعی که تا ور تقدس وی شریک باشیم ا تنبيم منايد * وهر تنبيهي ور أنحال چيز فرح أمكيزي نيست بلك الم ألود است ليكن بعد ميوة برارام راستى را بجهت انهاك ۱۱ تربیت کروه میشوند اروی بار می آورو * لهذا وستهای افتاوه ۱۳ وزانوای سست شده را استوار نائید * ورایی راست را بجهت با بهای خور آراسته نائمیر تاکه آنچه لنک است تلف نه شوو بلکه ١١١ صحيح كرود * ويصلح جوئى با جمه سلوك غائيد وتقدس نيزك ٥٠ مرون أن بهي كس خلافدرا نخاهد ديد * وهوشيار باشيرك مباوا كسى از توفيق فدا قاصراً بد ومباوا اصل مرارت سركشيره ١١ اضطراب بار آرو وبسياري بدين جهت آلوره شوند * ومباوا كسى زانى وبى مبالات باشد مانند عيسوكه بجهت يك خوراك ١٧ حق خلافت را تسليم نموو * كه ميرانيدكه چون بعد خواست كه وارت بركت كرود باجابت نرسيد زانروكه مجال تغير ورآن ١٨ نيافت باوجورآنكه باشكها جوايي آن ميبور * وشما نرسيدير بكوهي كه مس كروشود وبآتش سوفته باشد وبظلمت وتاريكي وطوفان ١٩ * وآوار صورا وصداى اتفهاك شنوندهكان خواستندك ويرسخني ٢٠ زياد برآن مذكور نشود * زيراك آنچه مذكور مي شد نمي توانستند

متحمل شدكه أكر حيوان هم كوه را مس نايد سنكسار شوو بانيزه ۲۱ برا و فرو کروه شود * واینکه رؤیت آنقدر هولناک بود که موسی ٢٢ كفت من ور غايت هراسان ولزانم * بلكه آمريد باده صبتون ٢٣ وبشهر فداى مى اورشليم آسماني وهراران هزار فرشته * وبديوان عمومی وکلیسیای زاوه!ی گنخستین که ورآسمان مرقومند و بخدای ١٧٧ حاكم جمه وباروام راستان كالم كرويده * وواسطة العان نوعيسي وخونی که ریخته شد که سخنانش بهتر از آواز خون ابیل آست ۲۰ * وهوشیار باشیرکه از حرف زنده خودرا اعراض نائیر زانروک چون آنان که خوورا از آنکس که بر زمین حکم میفرمود دور وإشتند رستكار نشيزيد بطريق اولى هركاه ما خوورا از آنك از آسمان ٣٧ تكلُّم مي نايد دور نائيم رستكار نخواهيم شد * چه آنونت أوارش زمین را جنبانید وحال وعده نموده است که من یکبار دیگر ۲۷ زمین را نه بهنهائی بلکه آسمارا می جنبانم * واین سخن که یکهار ویکر وانست بر کنده شدن چیزای جنبنده چون چیزائی ساخته ٨٨ شده تا آنك چيزائى كه نمى جنبد باقى ماند * لهذا ماكه بچنك مي آريم مملك باثبات را بكيريم توفيق رأكه بطور خوش آينده فدارا ۲۹ بنده کی نائیم اجا وزور که خدای ما آتش فرو کیرنده است باب سيزدهم

وپیوسته محبّ براورانه باقی ماند و مسافر پروری را فراموش نه ناسید زانرو که بعض بدین سبب لاعن شعور فرشتگان را مهانی می نموده اند * وبند یار آرید چنانچه کویا با آنها ور بند بودید و انائی را می بدنند چنانکه خود تان در بدن هستید * ونکله در

مهمه خلق معزز است ويسعرنا آلوده ليكن زانيان وفاسقان را ه فدا جزا خواهد واو * وزر برستى را طريق خود مسازيد وأيحه هست قناعت غانبير زانروكه او خوو فرموره است كه من مطقًا تورا ٧ وانخواهم كذاشت وهركز نورا ترك نخواهم نمود * بنوعي كه ما فاطر جمع شده مبتوانيم كفت مرا خداوند معاونست نخواهم ترسيد از انجه خلق بامن مینایند * وریشوایان خوراکه بکلام دار با شما تكلم نمووند بخاطر آريد وانجام كنران ايشان را ملاحظه نمووه ^ ایشان را در ابان پیروی نائید * وعیسای مسیح ویروز وامروز و ونا بابد بهانست * واز تعلیمهای کوناکون غریب مترور مشوید زانروکه بهتر است که ول از توفیق استوار شوونه از خوراکیها که ١٠ آناني كه اين قسم رفتار ميمووند بهي سود نيافتند * وما قربانكاهي را واريم كمآناكه ملارم لخيمه ميهاشند مازون نيستندكم ارأن خورده " باشند * كه آن حيوانهائي كه خون ايشان بجهت كناه به وست کاهن ازرک بمکان اقدس ارده میشود بدنهای آنها بیرون از ١٧ خيمه كاه سوخته ميشور * لهزا عيسي نيز تا آنكه قومرا بخون خور ۱۱۰ مقدس سازو ور فارج از وروازه عذاب کشید * پس با بیرون ۱۲ از خیمه کاه بنروش برویم ورسوائیش را متحمل کردیم * زانرو که نداريم ور اينجا شهر فايدارى اللك ور تفحص شهر مستقبل ٥٥ ميباشيم * بس بوسيلة او هدية تجبيرا يعنى حاصل لبهاراكه ١١ اعتراف بسمش باشد بيوسة نرو خدا بكرانيد * وار احسان وفيرات غفلت نورزيد زانروك فدا از چنين هدايا راضي مي ١٧ شور * واطاعت وانقيار نائيد بيشوايان خودرا زانروكه أنها جانهاي شمارا باسبانی می ناید چون آنان که حسابرا پس میرهند ا آنکه بخوشوقتی این را جا آرندنه با ناله از آنجا که این بجهت ١٨ شما بيمصرفست * ووردق ما وها نائير زانروك مرا يقين است که نیت خیر داری ومی خواهیم که بهر صورت بخوبی رفتار نموده ١٩ باشيم * وبيشتر الناس مي نائم تا أينك بشا بار بروري برسم ۲۰ * وخدالمي آرام كه شبان تررك كوسفندان يعنى خدا فد ما عيسى را ۲۱ بخون لیمان جادوانی از مرده کان برخیزانید *شمارا ور هر عمل خير آراستسارو تا آنكه اراوه اورا بجا آريد ودرشما بديد آرو آنجه ور حضورا و خوش آیده می باشد بوساطت عبسای مسیم که اورا ٢٢ تا ابد الابار حلال باو من * واي براوران ارشما استدعا مينايم که کلام نصیحت آمیزا به پروید که مختصری بجهت شما ور رساله ١٢٠ نوشتم * ومستحضر باشيركه تيموثيوس براور خلاصي بافته است ۲۸ واکر زور آید بهمراهی اوشهارا ملاقات خواهم نمود * وجهه بیشوا بان خوورا ومقرسانوا سلام برسانير واهل انيليه علمارا سلام ميرسانند ٢٥ * با جمكي شما توفيق بار آمين

نامة عام يعقوب حواري

باب اول

ا از بعقوب نبدهٔ فدا وعیسای مسبع فداوند بدوارده فرقه که براکنده ا اندسلام باو *ای براوران چون ورامتحانهای کوناکون مبتلاشوید

۳ کمال سعاوت خود وانید و که میدانید که تحربهٔ ا بانی صررا ور م شما بديد مي آرو *اما بايدك صبرعل را كالم كند تا آنك ام وقام ه باشيد وور جي چيز ناقص نباشيد * واكر كسى از شما ناقص العقل باشد أر خدائي ستوال غايد كه بسخاوت بهمه ميرهد ٢ وسرزنش نميدهدكه بوى واوه خواهد شد * ليكن بايدكه با بان ستوال عليه وشك نداشة باشد زانروك مشكك چون موج · ورياست كه از باو ميغلطر وبهم ميخورو * واين شخص ظن نبرو ^ که از خداوند چیزی خواهد یافت * وشخص دو ول در تامی ٩ رفتار خود متزلزلست * پس براور وليل از عرت خود فخر نايد ۱۰ * ووولتمند از ولت خود زانروك چون كل علف ور كذار است ا * زانروك چون آفتاب بحرارت طلوع غايد وعلفرا خشك غايد كلش مى افتدودس صورت او زائل مى شود بهمين وضع ١١ وولتمند نيز ور اطوار خور برمروه خواهد كشت * وخوشاهال أن شخص که امتحازامتحمل است زانرو که بعد از آزمایش خواهد یافت آن تا به حیانی را که خدا بمحبان خوررا وعده فرموره است ۱۳ * وكسى ور امتحان مطلقاً نكويدكه فداست كه مرا امتجان مي نايد زيراكه نه خدا از بدبها امتحان مي شود ونكس را امتحان مي نايد ۱۷ * وهركس كه ور امتحانست از خواهش خود كشيره شده وكول ه خوروه است * وبعد خواهش آبستن شده ميزايد كناه را وكناه ١١ كبال رسيره مركرا بديد ميآرد * اي براوران معبوب من ١٧ فريفة مشويد * كه هرانعام نيكو وهراحسان كالمل از بالسب ونارل ميشور از ابو الانواركم نزو او زوال وظل انعكاس هم

١٨ نيست * واراوه فرموره بكلام حق مارا توليد نمور تا آنك از ۱۹ مخلوقات وی چون نو بر باشیم * پس ای براوران محبوب من هرکس در شندین تند دور گفتن کند دور خشم سست ١١ باشد * از آنجاكه خشم خلق عدالت خدارا جا نمي آرد * يس هرقسم كنافت وفضلات بررآكده بفروتني كالم كاشترا ببنيريدك ٢٠ جانهاي لشمارا تواند رانيد و وكلام على كننده باشيد نه اينك خوورا ٢٠٠ كول زوه جمين بشنويد وبس "كه اكركسي شنورة كلام باشد وعل نابد شخصی ا ماند که صورت ظاهری خودرا ور آئینه می ٢٧ نكرو * از آنجاكه خوورا نكريست ورفت وفي الفور فراموش نموو ٥٥ كه چ قسم شخصي بود * ليكن أنكس كه ورشريعت كالم أزادي غور نابد وقرار كيرو ارانجاكه شنفده فراموش كننده نيسب بلكه ٢٩ جها آرندهٔ على است ور اطوار ذور خوشوفت خواهد بود * واكر شخصی ورمیان شما اندیشهٔ وینداری کند وحلو زبان خودرا کایرو ٧٧ بلكه ول خوورا فريبد ويداري آن شخص عبث است * وين باک بیغش نزو فدا و پراینست یتیمان وزنان بیوه را ور هنگام تنک وستی تفخص نموون وفورا از آلایش ونیوی پاک نكه واشترن

باب دويم

ا ای براوران من با ظاهر بینی جمع نتائید ا بان خداوند ما عبسای مسیم خدیو جلال را * چه اگر مروی با انکشتری طلا و کسوت فاخر مه بمجلس شما ورآید و آید مفلسی نیز با کباس مندرس * وید صاحب کسوت فاخر توجه نمووه میکوئید که اینجا بفرانید که

نيكوست ومفلس را ميكوميركم ورانجا بايست يا وراينجا ور ٨ تحت قدمكاه من بنشين ١٦ يا ور مانه خود طرف كرى نموده ايد ه ومميزان زشت سيرنيستيد * بشنويداي براوران معبوب من آیا بر کازیره است فدا مفلسیان این جهان را که ورایان توانكر ووارث آن ملكوت باشندكه بمحبان خور وعده فرموده ٩ است * ليكن شما فقيران را تحقير نموره ايداً يا صاصبان مكنت شمارا مجبور نمی نایند و محکمها شارا نمی کشند *آیآنها نسبت با آن نام کرامی که برشا خواره شده است کفر نمی کویند ٨ * وبتحقيق كه اكرشها ورشريعت ملوكانه ترقى نمي غائبير بر وفق آن نوشته که تو آشنای خور ا چون خور روست رار نیکو خواهید و نموو * آكر نكاه بظاهر نائيدكناه مي ورزيد ومثل تجاور كنندهكان ١٠ بشريعت مازم ميشويد * زانروك أكركسي تام شريعت را نكاه ا وارد ویک جروراً سهل انکارو جمراً مقصر شده است * زانروک آنکس که فرمود که زنا مکن نیز فرمود قتل مکن پس اگر تو زنا ١١ نفائي ليكن ققل كنى أز شريعت تجاوز نمودة مشما حرف زنيد وعل ناتید چون کسانی که از شریعت آزادی حکم خواهند یافت ۱۳ م که حکم بیرحم بکسی خواهد شدکه رحم نموده است ورحم بر حکم ۱۱۷ برتری میکند "ای براوران من چه مصرف دارد اگر کسی کوید ٥١ كه ايان وارد وعلى نداره آيا ايان اورا رستكار تواند نمود • اكر ١١ براور يا خواهري برهنه باشد ومحتاج بكران يوميه باشد • ويكيي ارشا أنهارا كويد برويد بسلامت وكرم سيرشويد وما بجتاج بدن رأ ١٧ آبها ندهد چه نفع حاصل خواهد شد * بهان طور ا بان نيز اكر إ

۱۸ عل نباشد خورس بیروج است *شاید کسی کوید که تورا ا بانست ومرا عل تو ا بان را بی عل خودرا بر من ظاهر ساز ١٩ ومن از اعمال ايان خورا برتو ظاهر مي سازم * تو اعتقاد واري كه فدا مكي است وفوب ميني وشياطين نيز معتقدند ومي ۲۰ لرزند * ای مرو بوج آیا خواهی وانست که آیان بی عمل مرده ٢١ است ١٦ يور ما ابراهيم از عبل عاول شمروه نشيد هنكاسيك ٢٧ پسرخود اسماق را بر قربانكاه كنرانيد * پس ملاحظه ناكه ا بانش ٢٣ باعل مور رود وارعل المانش كالم كشت * وآن نوشة كالم کشت که میکوید ابراهیم بر خدا ایان آورو و معدالت منسوب ۲۴ شد وخلیل اللّه خوانده 'شد * پس ملاحظه نائید که مروم از ۲۵ اعل عاول شمروه میشوند نه از ایان بتنهائی * وبهان قسم ای راب فادشه نیز از عل عاول شمرده نشد چون ۲۷ فرستاره کان را باندرون برد وار راه ریدر بیرون نمود * که آنچنان که جسم بیجان مروه است بهان وتیره ایان بی عمل

باب سدیم ا ای براوران من بسیار مفتی مباشید که خود میدانید که عقوبت ا اشد بر اواقع می شود * از آنجا که وراکثر امور جمکی سهو می نمائیم واکر کسی ور کلام سهونه نماید کاملست ومی تواند که نام بدن را خودکیری نماید * چنانچه جلوارا ور وان اسپان میکزاریم تا با را اطاعت نماید و قامی بدن آنهارا می کروانیم * ونیز کشتیها هر قدر سرر باشند و اوایی شدید آنها را براند باسکان کوچک هر وا

ه که میل نافدا باشد میروو * بهان وضع زبان عضوی کوچک است وسخنان عظيم بسيار ميكويد چنانچه افكر أتشي چ مقدار و اجناس راكه ميسوراند وران آتش وعالم نا راستي است ور میان آعضا وچنانست زبان که تامی بدن را آلووه وکیتی را افروفت سازو وافروفتكي خووش از جهنم ميباشد * هرنوع وحوش از طیور وصرات وحیوانات بحری از طبائع انسان رام شده اند ومی شوند * لیکن زبان را چیچ کس از خلائق رام نمی تواند و كرو وسركشي است شرير ومملوار زهر قاتل است * بهان ما هذا وبدررا ستايش مي نائيم وبهان لعن مي نائيم مروم راكم ١٠ شبي فدا ميباشند * پس از يكرهن وعا ونفرين بيرون مي آيداي " براوران من نباید که چنین شور ۱۰ یا از یک شکاف چشمه ١١ شيرين وتلخ بيرون مي تراود ١٠ إ براوران من آ يا ورف أحير برزيتون مي تواند آورو يا تاك الحيررا المحينين الهي چشمه آب ١٣ شور وشيربن را مي تواند آورد * أكر كسي ورميان شماست كم صاحب عقل وتمنيز باشد ظاهر سازد اعمال كنران نيك خودرا ۱۸ با افتاره كى عاقلانه * أكر ور ول واريد غيرت وتدفوني ونزاع ٥٠ جوئي را فخرنه نائيد ووروغ مكوئيد برخلاف راستي * از آنجاكه اين ١٦ عقل از بالا نازل نمي شوو بلكه زميني ونفسي وشيطانيست * چ هر جاكه غيرت ونزاع ميباشر فتنة هر عمل ناشايسة موجود ١٧ است * ١١ آن عقل كه از بالاست اول باكست وبعرصلح جو ومليم وافتاوه ويراز رحم وثرات نبك وبيطرف وارى وبيريا ١٨ * وتخم صداقت ورارام بالله مي شود براي آنان كه ارام طلبند

باب چہارم

ا ورمان شما نزاعها وجدالها اركجا ميشود آيا اراينجا نمي شوويعني ۲ از خواهشهای شما که ور اعضای شما ور نزاعند * طمع مینائید ومالك نمى شويد فنال وحسد منائيد وبجنك نمى توانير آورو وجنك وجدل منائير وبسب آنك استدعائمي كنير بجنك نمي ٣ أربد * بلي سنوال مناتيد ونني رسد زانروكه بعقيرة نا خوش ٨ ستوآل مي نائيرتا ورخواشهاي خود بكار بريد * اي زانيها وزانسا آیا نمیدانید که ووستی ونیا وشمنی فداست پس هرکس که ه خواهد با ونبا ووست باشد وشمن فدا كشة است ١٦ يا چنان کمان برید که کتاب لغو می کوید که روه که ور ماست انجام ۱ طمعش نا حسد است * لیکن توفیقش افزونست که میکوید خدا متكبران را مخالف مي نايد وفروتنان را توفيق مي بخشيد پس خدارا اطاعت نائید و البلیس مقاومت نائید که از شما ۸ خواصد کر بخت * با خدا نرویکی نائیدکه او با شما نردیکی خواصد نمور وستهارا باک سازیدای کناه کاران وولهارا صاف سازید ای وو وله کان * غصه خورید وناله وکریه کنید خندهٔ شما بغصه ١٠ ورادت شما رنبج مبدل شود * پيش فداوند کوچکي نائيد که او " شمارا بلند خواهد ساخت * وای براوران با یکدیکر بدنکوئید وهرکس که بر براور بد میکوید ویر براور حکم مناید بر شریعت بد میکوید وار شریعت حکم منابد واکر بر شریعت حکم منائی ججا ١١ آرندهٔ شريعت نيستي لبلكه خود شارعي * يك شارعست كه تواید رانیر وهلاک نمود تو کیستی که برکس وبیر حکم منائی

يعقو * ١٠ * ٥ *

۱۳ * بهنوید شماکه میکوتیدکه امروز وفروا بفلان شهر میرویم وور آنجا

۱۲ یک سال بسر بروه تجارت میکنیم ومنتفع میشویم * وحال

آنکه نمیدانید که فروا چه میشود زانرو که چیست حیات شما

۱۵ بخاریست که اندکی ظاهر است وبعد فایب میشود * شما را

بخلاف آن باید کفت که اگر فداوند بخواهید زنده خواهیم ماند

۱۲ وچنین خواهیم کرم * لیکن حال شما از راه پوجی فخر منائید وهر

۱۷ آن فخری که چنین باشد بداست * خلاصه کسی که نیکی کرون را

واند و جا نیارد باو کناه است

باب پنجم

المامي صاحبان وولت المحال روآ ربد وكربه وناله كنبير بعلَّ اين ا مصيبتها كه برشما وارو ميشود * وولت شما كنديده مي شود ۳ ورفتهای شما به بید خورده می کردو * طلا ونقرهٔ شمارا موریانه ميخورو وموريانة آنها شهاوتيست برشي واجسام شمارا نيز چون ٨ آتش ميخورو وجهت روز باريسين خود كنحية بهاره ايد * اينك فراد می کند مرو مرورانی که کشتهای شمارا ورویدند وشما ارآنها بار واشتير وفرياوآنها بكوشهاى فداوند صباوت رسيره است ه * تنعم وعيش وعشرت ور زمين نموده ايد ودلهاي خودرا فربه ا تموريد چنانك بجهت روز والح است * ار عاول تحكم نموريد وبقتل رسانیدید واوشهارا مقاومت نمی ناید * پس ای براوران صبر عائير تا آمرن خداوند اينك وهقان انتظار ثمر كرانيهاى زمین را می کشد و جبهت آن صهر مفاید تا هنگامی که نابد باران اول وآخرراً *شما نیز صبور بوده فاطرای خودرا جمع وارید که آمرن

و فدا فد نرویک است *ای براوران با یکریر کله نائیر مباداک ١٠ رشما تحكم شوو اينك ماكم برور وروازه ايستاده است *اى برادران من غونه بكيريد ورتحمل بدسلوكيها وصبر آن يغمبران رأ ١١ كم باسم خداويد حرف زوه اند * الحال متحملارا تهنيت ميكوئيم صبر ایوبرا شنبیره اید ومقصود خداوندرا یافته اید که خداوند ۱۱ بغایت مهران ورحیم است * وای براوران من فوق به اینست که باسمان وزمین وهر نوع ویکر سوکند مخورید بلکه بلی ۱۱ شما بلی ونه شما نه پاشد مباواکه زیر محکم افتید * واکر کسی از شما سنم ويده باشد وعا نايد واكركسي فاطر الجمع است زبور بسرايد ۱۴ * واکر کسی ورمیان شا تھار باشد کشیشان کلیسیارا بخواند که ٥١ بروي وعانموده وروي باسم خداوند روغن مالند * ودعاى ا باني رنجوررا خواهد رانير واورا فداوند خواهد برخيزانير واكركناهي ١١ كروه باشد مرزيده خواصد شد * ونزو كيديكر بخطا ا اقرار غاتبد وور حق كيدير وعا نانيد تاكه رستكار باشيركه وعاى محكم شخص ١٧ عاول بسيار مؤثر است * ايلياس كه انسان چون ما صاحب حواس بود وعا نمود كه باران نبارد وسه سال وشش ماه باران ١٩ نباريد * وباز وعاكرو وأسمان باريد وزمين براً ورو * اي براوران اکر کسی در میان شما از حق منحرف کردد وکسی اورا باز برکرداند ۲۰ براند که شخص که کناه کاری را از کمراهی او بر کرواند نفسی ا ار قتل را نیره است وبسیاری از کناان را بوشیره است

نامة عام اول بطرس حواري

باب اول

بطرس دواری عیسای مسیر بمسافران براکنده ور بنطس ٢ وكلت وقيرُق واسم ويثونه ك ركزيره شده أند بر حسب مشيت ازلي خدامي پرر بوسيلة تقديس روح تا به اطاعت وفونهاشي عساى مسيح باشند المبخواهد أكه فضل وآرام زياد ۳ برشما بار *مبارک بار فدا وبدر فداوند ما عیسای مسیح که بحسب وفور رحمتش مارا باز باميد زنده توليد نمود بوسيلة م برفاستن عيساى مسيم از مره كان * بميراث بي فسار ونا الوره ه ونا پرمروه که بجهت ما کناروه شده است ور آسمان *که بقدرت فدا وبوساطت ایان در امن هستیم ا رسیدن آن ٠ نجاني كه آشكارا ميشوو ور ايام آخر * لهذاشا خرم ميهاشيد باوجوو آنکه حال مرت قلیلی از راه ضرورت در امتحانهای کوناکون عمكين هستيد * تاآنكة أين حجت ا بان شماكه از زر فاني بسيار کرامی تراست بعد از تحربه کروه شدنش بآتش در هنگام ظهور ٨ عيسى مسبح با تحسين وتكريم وجلال يافت شود * كه شمأ اورا نديده ووست ميداريد وحال آنكه هنوزنمي بينيد اورا ليكن ايان آوروه ور وجدید بخرمیک بیرون از تقریر ویر از جلال است ١٠ * وغايت ايان خووراكه نجات جانهاست مي يابيد * وور بارة نامة أول أز بطرس * ١ *

أن نجات بدقت تفحص وتجسس نمووند ليغمبراني كم اخبار اا نمورند ارآن توفيقي كه ورشاست * واستفسار مي نمورند كه چه وقت وچ نوع وقتی قصر است آن روح مسیراک ور ایشان بود هنگامی که شهارت میداد بر عظ بهای مسیم وجلالهای ١١ متعاقب أن *أنهارا مكشوف شهركه نه بحهت خوو بلك ما ميرسانيوندان خبرائي راكه حال خبر ازانها بافتير بوساطت آنانی که برویه القدسی که از اسمان فرستاره شدشمارا مژوه واوند ١١٠ وفرشتكان شوقمند مي باشندكه ورين چيزا غور غايند * لهذا شما کمرای ول خوورا استوار نموره هوشیار بوره امید کالی واشته باشيد براي آن توفيقي كه ور هنگام ظهور عيساي مسيحي برشما ۱۷ می آید * چون ا بای اطاعت ممثل مباشید خوصهای ٥٠ ييشين خور اكم ور اوان جهاك واشتير * بلك چنانچه مقرس است آن که شمارا وعوت نمووشما نیز ور جمیع افعال خوو ١١ مقدس باشيد * از آنجاك مرقوم شده است كه بأك شويد زانرو ١٧ كه من باك هستم * وجون آنيس راكه شما بدر مي خوانيدي ظاهر بینی بر حسب فعل هرکس حکم مناید هنگام توقف ١٨ خوورا باحتياط مصروف نائيد * زيراك ميدانيدك بجيرالي فاني چون طلا ونقره رائی نبادتمیر ار اطوار باطل خور که بتوانر مشما ١٩ رسيره بور * بلكه بخون كرانبهاي مسيح كه چون برة بي عيب ۲۰ وبی واغ بود * ومعین شد بیش از بنای عالم لیکن برای شما در الين آيام ظاهر كشب مك بوساطنش ايان مي اوريد بر فدائي که آورا از مروه کان بر خیزانید وجلال بخشید بنوعی که ایان

نامة أول أز بطرس * ١ * ٢ *

۱۲ وامیدشا بر فدا میباشد * وجانهای خودرا باطاعت براستی از قدرت روم پاک نموده تاکه محبت براوری بی ریا بس بکدیگررا ۱۳۲ بساده لوحی و بغایت و وست وارید * زانروکه تولد تاره بافتید نه از تخمهٔ فانی بلکه از تخمهٔ غیر فانی که عبارتست از کلام فداکه تا ۱۲۳ باید زنده و باقیست * زانروکه هر بشری چون کیاهیست و جمیع جلال خلق چون کل کیاهست کیاه پومرده کشت و وافشایده کشت کلش * آگفتهٔ فدا فید تا باید باقیست واین کلامیست که بشما بموده واده شده است

باب دويم

ا پس هرنوع شرارت وهر قسم مكر وريا وصد وهر قسم غيبدرا ٢ كزاشته * چون اطفال نو زاو خواهش مند شير صاف كلام باشيد ٣ تا ازآن پرورش مابيد * چون مافت زايقة شما كه خدا زمر الخوش ۴ کوار است ۱۶ او رسیره یعنی آن سنک زیره که خلفش ه مررود نموده اند آما نزد خدا مكرم ومعرز است *شما خود نيز چون سنکهای زنده عمارت میشوید چون فانه روحانی ومیکروید کاهن مقدس تا قرانيهاى روحاني خوش آبندة فدارا بوساطت عيساي مسيح كذرانيد ورين مقرمه فقره ايست وركتاب كه اينك من می نهم ور صینون سنگی را که سرزاویه ومکرم ومغرز است وهركس كه بر وي ا بان آورو خبل نخواهد كرويد • پس نرو شماك ايان واريد كرانبهاست وطافيارا أن سنكل كه معمارانس رو كروندسر زاوي وسنك كوبندة با وكوه مصاوم شده ۸ است * وایشان از راه بغاوت از کلام کوبیده میشوند و بجهت نامهٔ اول از بطرس * ۲ *

٩ بمين وضع شده بوزند " ليكن شما قوم بر كزيده وكهنة ملوكانه وطايفة مقدس وقوم فاص كشة ايدتا آناء اوصاف أنكس كه ١٠ شمارا از ظلمت بنور ناور خور وعوت نمور است جلوه وهير * ك سابق براین شعا قوم نبورید اما حال قوم خدائمید ومرحوم نبورید ما این اا والحال مرحوم كشة الد * اى محبوبان استدعا منايم كه چون غريب ومسافر از خواهشهاى جسمى اجتناب نائيد كه انها با ١٢ نفس در نزاعند * ورفتار خورا درميان قبائل نيكو داريد تا آنكه بجای سخنان زشت ور حق شها چون بر زشت کاران در روز توج خدارا تمحبير غائبير ازكرواراى شايسة شماك ايشان ملاحظه ١٠٠ مينايند * پس هر معين شده انسان را بحبهت خداور أطاعت ۱۸ عائمید باوشاه را چون سرور * وحکآم را چون کماشتکان وی بحبهت ه انتقام از برکاران وتحسین نیکوکاران *که خواهش خدا جمین است که به نیک رفتاری جهل مروم جاهل را منطفی غائید ١١ * وجون آزاوان بوده ليكن آزادى را بهانة شرارت نائير بلك ۱۷ چون مبنده کان خدا باشید * هرکس را عرب نائید ورا دان را ١٨ روست واريد واز خدا بترسيد وباوشاه را تعظيم نائيد *اي نوکران آقایان خوررا ور کمال انقبارِ اطاعت نائید نه همین ١٩ آقايان مهربان وحليمرا وبس ملكه كم خلقانرا نيز *زانروك فضيات است هركاه كسى مصيبت بناحق كشيره را بجهت ٢٠ فاطر فدامتحمّل كروو * چ فخراست أكركناه كروه وطبايجه خوروه متحمل شويد ليكن أكر نيكي كرده ومصيب كشبيره متحمل ١١ شونداين نرو فدا فضيلت است * واز براي اين رفتار وعوت

نامهٔ اول از بطرس * ۲ * ۳ *

کروه شدید زانروکه مسیح نیز در راه با عذاب کشید وبرای با نمونه

۱۹ کذاشت تا آنکه بر اثر پای وی روان شوید * که او کناه نکرد دور

۱۹ دانش تغلّب یافت نشد * دچون بر او دشنامی واقع می شد

دشنام باز نمیداد وچون غذاب می کشید تهدید نمی نمود بلکه خودرا

۱۹ بآنکس تسلیم می نمود که انصاف بحق می نماید * واو کنابان بارا

بر بدن خود بر وار متحمل شد تا که از کنابان عربان کشته در

۱۵ راستی زنده کرویم وبسب ضرب او شفا یافته اید * که بودید

چون کوسفندان کمراه لیکن الحال بسوی شبان وناظر نفوس

خود برکشتید

باب سيم

ا ونیز ای زنان شوهران خور ا بنوعی مطیع باشید که اگر بعضی كلامرا تكرويره باشند بسبب خوش رفتارى زنان برون كلام ۲ ربوره شوم * چون به بینند رفتار شابستهٔ با حرمت شمارا ۳ * وآرایش شما از زینهای ظاهری ار بافتن موای سر ورین م بطلا شمن يا يوشيون لباسها نباشد * بلك شخص يوشيره باطنمي بزينت غير فانبي بمزاج حليم وأسوره مرين شوركه أونزو خدا ه کرانبهاست * وبهمین نوع ور اوان سلف زنان مقدس که اميدوار بخدا مي بودند خودرا آرايش مي نمودند وشوهران را مطبع ٤ مى بوزىد * چون ساره كه ابراهيم را مطبع بود كه اورا خدا درمنخواند وشما وختران أو میباشید ما وامی که نیک کروار باشید واز پہرچ صدمه فائف نباشيد * وشوهران نيز البشان بطور عاقلانه سلوك نائير واوه را چون ظرف نارك تراحترام نائير چون كساني كه

نامة أول أز بطرنس * ٣ *

۸ ور توفیق حیات هم ار شنر که مباوا وعالمی شما منقطع کروو * خلاصه شما بمكى كدل وهمررد وبراور روست ورحم ول وفوش خلق ۹ باشید * وبدی جای بدی ووشنام جای وسنام بکار میاورید بلکه بالعکس وعای خیر نائیرکه چنین میرانیرکه برای ممین ١٠ خوانده شده ايدكه وعاى خيررا بميراث يابيد * وآنكس كه طال است خوشی صیابرا وخواهدکه ور روزکار خوشی بیند زبان " خورا از بدی باز وارد ولههای خوورا تا بتغلب نکرود * از بدی ١١ اعراض غايد ونيكي غايد وصلح جو باشد واورا تعاقب غايد * زانرو که چشمهای فداوند برراستگارانست و کوشهای او ور راه وعای ۱۳ آنها کشاوه است وروی فدافد بر خلاف برکارانست * واکر ۱۱ شما نیکی را بیروی فائید آن کیست که باشما برسلوکی فاید • آما اکر ور راه راستی زخمت یابید خوشوقت باشید وار تهدیرات ٥٠ آنها مترسيد ومضطرب مشويد * بلك ور ولهاى خود فداوند فدارا تنزیه نامیر ویوسته مستعد باشید که هرکس که ور بارهٔ آن امیدکه ١٩ واريد ارشما ستوآل نايد با حلم واحتياط جواب وهيد * وور نيكي نفس را نا مکرر نکاه وارید تا آنال که طعن می زنند بر رفتارنیک شما ور مسبع جای بد کفتن برشما چون بر بد کاران خول کروند ۱۷ * چاکر مشیت فدا قرار کرفته باشد که عذاب کشیم نیک کردار ۱۸ معذب باست از بدکار * زانرو که مسیح ور راه کناین وعاول ور راه ظالمان مكهار عقومت كشير تاآنكه ما را بسوى خدا آرد وحال آنکه از دیثیت جسم کشته شد واز دیثیت روح زنده کشت ۲۰ * وا ورفسة ندا كرد اروالحي راكه مسجون بودند * كه مدتى باغي بودند

نامة اول از بطرس * ٣ * ١٠ *

هنگامی که حلم فدا چند کاهی انتظار کشید یعنی در آیام نوج در اوانی که کشتی را میساختند ودر آن چندی از نفوس یعنی ۱۱ هشت نفر از طریق آب ناجی شدند * ودر مقابل آن ما نیز از غسلی که آن شستن کنافت جسم نیست بلکه توج قلب صمیم بخراست نجات می باییم بوساطت نر فاسش عیسای ۱۲ مسیم * که آبسان صعور نموده ور وست راست فدست وفرشتکان واصحاب اقتدار وفدا فدان قدرت محکوم وی شدند

باب چهارم

ا بس از انجاكه از دينيك دسم مسج ور راه مامتعمل كشيرشما نیز ہمان خوی را چون سلام بیر نامیر که آنکس که جسماً متحمل ٠ مرك شداركناه باز مانده است * تا آنك ويكر باقى عمررا ور جسم موافق خواهش خلق صرف نائير بلكه بنوعي كه مشيت ۳ فداست * ريراك مرت ماضي ارعمر ما بس است بجهت جا آورون خواهش فعبائل چون ور بی عصمتیها وشهوتها ومی يرستيها وشوفيها وشربها وبت يرستيهاى مكروه رفتار ميموري * وتعتب مي نايند وسخنهاي لغو ميكونيد چون بينندك شا تا ه بآن حد اسراف با آنها نمی روید *لیکن نزد آنکس که مستعد است که بر زندکان وروه کان حکم ناید حسابرا پس خواهند ٤ واو * وازين روست كه مرده كانرا أما باين مرده شدكه هرچند بروشیاری در وعا میدار باشید * فصوصا آنکه محبت کیمیکررا

نامة أول از بطرسن * ١٠ *

بشرت واشته باشير زانروك محب كثرت كناانرا خواهد بوشائير ١٠ * وميريغ يك ويكررا ضيافت غائمير * چنانك هركس كرامتي يافته است آزا بريران رساند چون ناظران نيك توفيق ١١ كوناكون خدا * وأكر كسى تكلّم نابد از مقولة كلام خدا تكلم نايد واكر كسى خدمت غايد خدمت غايد بحسب آن قوتى كه خدا عطا مي عليرتا آنك بهر صورت فدا تجيد يابد بوساطت عيساى مسبج ١١ اورا جلال وقوت تا ابر الابار است آمين *اي محبوبان تعجب نعانبيرازآن شدايد نارى كه جههت تحربة شما درشما واقع ۱۳ می شود که کویا چیز غریبی بشما بر خورده است * بلکه ازین روکه ور عذابهای مسبح شریک میباشید شاوان باشید تا آنکه هنگام ۱۷ ظهرور جلالش با فرح ووجد باشید * واکر از اسم مسیح رسوائی می کشید خوشا حال شما زانرو که روح جلال وخدا برنشا قرار می کیرو که ٥١ از آنها مي بابد بدكوئي وازشائهجيدرا *بس هوشيار باشيدكه كسي ارشها چون قاتلی یا وزوی یا بدکاری یا فضولی معنب نکرود ١١ * أكر چون مسيحي عذاب كشد شرمنده نكرود بلكه ازين جهت ١٠ فدارا شكر نايد * زانروك وقت است كه از فائة فدا قضا بنا شوو وچون آغارش از ماست پس انجام آنان که مروده خدارا نه ۱۸ پریرفتند چه خواهند بود * وچون نجات عاول بدشواری است ۱۹ میرین و کناه کار کها رو خواهند نمود * پس آنکسان که بر حسب اراوة فدا زحمت مي كشند نفوس خوورا با نيكو كرواري باو بسيارند چون بخالق امين

نامة أول از نطرس * ٥ *

باب پنجم

ا ار کشیشانی که ورمیان شما میباشند من که نیز کشیش وشاهد بر عذابهای مسیر وور جلالی که کشف خواهد کروید شریک ٢ ميباشم استدعا مفايم وكه كلة خداراكم ورميان شما ميباشد شبانی نائیر ونظارت نائیر نه کرا بلکه طوعًا نه بجهت نفعی ٣ معيوب بلكه بخواهش ول خود * وبر ميراث خدا خدا وندى م محوتبد ملك مونهاى كله مشويد * وجون شبان باشي ظاهر كرود ه تاج بيوسة تارة جلال را خواهيد يافت * ونيز جوانان بيرانرا اطاعت نائير ملك هركررا مطبع باشير وملبس بافتاره كي باشيد زانروكه خدا با متكبران مقاومت منايد وتوفيق مي بخشد ٧ افتاره كانرا * بس ور تحت وست قدرت فدا كوچكى ناتير تا شمارا بهنگام معین سرفراز ناید * وجمیع اندیشهٔ خوورا با وی منارید که او در بارهٔ شما فکر می ناید * وصوشیار و بیدار باشید زانرو که خصر شما ابلیس چون شیر غران می کرود ور طلب کسی که و بلع ناید * باستواری ور ا بان اورا مقاومت نائیدزانرو که میدانید که براوران شماکه ور ونیا میباشند بانواع این بلا بسر می برند ١٠ * وفدائي كه هر توفيقي اروست بوسيلة مارا خوانده است كه مسيح عيسى واخل جلال ابدي اوشوير بعد ازتحمل زحمت قليلي او خود استوار نايد واستوار كند وقوت بخشد وبإيدار نايد ١١ شماراً * اورا تا ابد الأبار دلال وقوت بارآمين * مختصري بهمراه سيلوانس كه چنين مي وانم كه براور امين أست بشم نوشتم باستدها وشهاوت براينك مهين است توفيق حقيقي فداكه ور

نامهٔ اول از بطرس * ه * ۱۰ آن ایستاده اید * وکلیسیای بابل که در بر کزیده کمی شریجند شما را ۱۷ ویسر من مرقس شما را سلام میرساند * وشما یکریرا بدوسهٔ محبت سلام ناتید در محکی شما که در مسیم عیسی می باشید سلام بار آمین

نامة الني عام بطرس حواري



فهرست این کتاب مقدس

| رساله وربم يولس بتسلنيقيان . 503 | |
|--------------------------------------|-----|
| رساله ٔ اوّل پولس بتيموڻيوس 507 | 1 |
| رساله ويم پولس بتيموثيوس 516 | 83 |
| رساله ٔ پولس بتیتوس 522 | 135 |
| رسانه ولس بفليمون 526 | 221 |
| رسالهٔ پولس بعبریّان 528 | 288 |
| رساله ٔ عام يعقوب حواري 552 | 371 |
| رساله عام اول پطرس حواري 561 | 405 |
| رساله ٔ عام دویم پطرس حواري . 570 | |
| رساله ً عام اوّل يوحنّاي حواري . 576 | 437 |
| رساله عام ثاني يوحنّاي حواري . 585 | 459 |
| رساله علم سيم يوحنّاي حواري . 586 | 470 |
| رساله عام يهوداي حواري 587 | 481 |
| كتاب مكاشفات يوحنّاي الهي 590 | 489 |

| انجيل متّي آغاز ميكند در |
|-------------------------------------|
| صحيفة |
| انجيل مرقس 83 |
| 0 3 0 |
| انجيل لوقا |
| انجيل يوحنّا 122 |
| كتاب اعمال حواريان 88 |
| رساله ٔ پولس حواري باهل روم . 371 |
| رساله عواس حواري باهل قرنتُس . 405 |
| رساله وربم پولس حواري باهل |
| قونتُس ١٦٠٠٠٠٠ |
| رساله ورس حواري بكلتيان 459 |
| رساله ٔ پولس حواري بافسسيّان . 470 |
| رسانه ولس حواري باهل فِيلپي 481 |
| رسالة عواس حواري بقلسيان . 489 |
| رساله ٔ أوّل پولس بتسلُنيقيّان. 496 |

مللا ةالص

، برلا اميا

قفر عم نم نكمتن ىتح جارفال مت دقو اذه ديدجلا ده على او اليجنال اذه ىلع اركش كنع ديزمل

تن ا قحاتمل ا پیزور تکال ال باتکال اذه عنص نع ملوءسمل ا بعشل اقدعاسم ءاجرل ا مهتدعاسم ی لع نور داق متن أو مه نم فسرعت

بىتىكىلا رىشكا اەلىعچو ، ةعرىسب لىمىلا ىلىع قرداق نوكىت نا يىلىع اھتىدعاسىم ءاجرلىا ةحاكىملا ھىنورىتىكىللا

نوكت يكل هجاتحت يخلا تقول او قوقو ، ل اومال او در اومل اعيمج ى لع اهتدعاسم عاجرل ا لمعل المصاوم ى لع قرداق كل

موي لك ساسا ىلع مهدعاسي يذلا قيرفلان م اعزج لكشت يتلا قدعاسملا عاجرلا الهل ديرت يتلا لام الله عالل يحورلا مهفل الهن الك عاطعاو رارمتسالا قوق المئاطعا يجري ولعفت نا

> ركذتك او ف و خل ا مدعل مونم لك قدعاسم ءاجرل ا عيش لك نع لوؤسمل او ةالصل ا هبوج ا يخل ا ملل التن أن إ

نوكر اشي مهن اقراز & لمعلاو ، مهتي امح مكن او ، مهعي جشت متل ضفت ن أ هل ا وعداً هيف

ي تل اتابق على انم امريغ و الله مي حورل التاوق ل انم مهتي امح متل ضفت ن ألل الله وعداً للفسل على الهنم عطب و الممرضي ن أن كمي

هذه نم اول عج نيذل ا سانل الضي اركفن لديدج ده عاذه مدختس المدن عيت عاسم عاجرل ا رارمتسال امهل عنستي عتحو اهيل عىلصي ن اعيطتس اعتح ، ةحاتمل اعبطل ا سانل انم ربك دع قدع اسم يف

فوس لئنأو ، (ديدجلا دهعلا) مسدقهلا مهلك لئل بح يونيطعت تنك نا مللا وعدا مينمزل المرتفطاو مهفل لضفا لئنا فعرعت نا منطفلاو ممكحلاو ميحورلا ينيطعت اميف شيعن يتلا

لك يمنن المجاوت يمتل التالبو عصل العم لم اعتل التيفيك قفر عم يف يمتدعاسم عاجرل ا نيرخال المعاسن ن الديرنو لضف الكن الفرعت ن الديرت يمن دعاسي الل الدرولل الموي ملاعل الوحو قفطن مل يدلب يف ني يحيس مل

مكتمكح ممدعاست نيذلاو بخسنملا ينورسكالال بالتكلا يطعي نا مكل مللا وعدا

مكب مهف نكلو ، اي حور عدخي ال (ي تلئ اعو) اهترسا دارف أدعاسي ن امكل ملل او عدا

قرطلا لكب مكل ةعباتمو لوبق ديرتو

ءاي شال ا هذه ل عف ان المكنم بلطاو ، تاق وأل ا هذه يف هي جو تلاو ه عتمل النيطعي المك نيما ، عوسي مس إيف نيما

- Prayer -

5 minutos a ayudar excepto otros - diferencie eterno

Dios querido,

gracias que se ha lanzado este nuevo testamento de modo que poder aprender más sobre usted.

Ayude por favor a la gente responsable de hacer este Ebook disponible.

Ayúdele por favor a poder trabajar rápidamente, y haga que más Ebooks disponible por favor le ayuda a tener todos los recursos, los fondos, la fuerza y el tiempo que necesitan para poder quardar el trabajar para usted.

Ayude por favor a los que sean parte del equipo que les ayuda sobre una base diaria. Por favor déles la fuerza para continuar y para dar a cada uno de ellos la comprensión espiritual para el trabajo que usted quisiera que hicieran. Ayude por favor a cada uno de ellos a no tener miedo y a no recordar que usted es el dios que contesta a rezo y que está a cargo de todo.

Ruego que usted los animara, y que usted los proteja, y el trabajo y el ministerio que están contratados adentro. Ruego que usted los protegiera contra las fuerzas espirituales que podrían dañarlas o retardarlas abajo. Ayúdeme por favor cuando utilizo este nuevo testamento también para pensar en ellas de modo que pueda rogar para ellas y así que pueden continuar ayudando a más gente Ruego que usted me diera un amor de su palabra santa, y que usted me daría la sabiduría y el discernimiento espirituales para conocerle mejor y para entender los tiempos que estamos adentro y cómo ocuparse de las dificultades que me enfrentan con cada día. Señor God, me ayuda a desear conocerle mejor y desear ayudar a otros cristianos en mi área y alrededor del mundo. Ruego que usted diera el Web site y los de Ebook el equipo y los que trabajan en que les ayudan su sabiduría. Ruego que usted ayudara a los miembros individuales de su familia (y de mi familia) espiritual a no ser engañado, pero entenderle y desear aceptarle y seguir de cada manera. y pido que usted haga estas cosas en el nombre de Jesús, amen, ¿

(por qué lo hacemos tradujeron esto a muchas idiomas?
Porque necesitamos a tanto rezo como sea posible,
y a tanta gente que ruega para nosotros y el este ministerio
tan a menudo como sea posible. Gracias por su ayuda.
El rezo es una de las mejores maneras que usted puede ayudarnos más).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Caro dio.

grazie che questo nuovo Testamento è stato liberato in modo che possiamo impararvi più circa. Aiuti prego la gente responsabile del rendere questo Ebook disponibile. Aiutilo prego a potere funzionare velocemente e renda più Ebooks disponibile prego aiutarlo ad avere tutte le risorse, i fondi monetari, la resistenza ed il tempo di che hanno bisogno per potere continuare a funzionare per voi. Aiuti prego quelli che fanno parte della squadra che le aiuta su una base giornaliere. Prego dia loro la resistenza per continuare e dare ciascuno di loro la comprensione spiritosa per il lavoro che li desiderate fare. Aiuti loro prego ciascuno a non avere timore ed a non ricordarsi di che siete il dio che risponde alla preghiera e che è incaricato di tutto. Prego che consigliereste loro e che li proteggete ed il lavoro & il ministero che sono agganciati dentro.

Prego che li proteggereste dalle forze spiritose che potrebbero nuoc o ritardarle giù. Aiutilo prego quando uso questo nuovo Testamento anche per pensare loro in moda da poterlo pregare io per loro ed in modo da possono continuare a aiutare più gente Prego che mi dareste un amore della vostra parola santa e che mi dareste la saggezza ed il discernment spiritosi per conoscerli più meglio e per capire i tempi che siamo dentro e come risolvere le difficoltà che sono confrontato con ogni giorno. Il signore God, lo aiuta a desiderare conoscerli più meglio e desiderare aiutare altri cristiani nella mia zona ed intorno al mondo. Prego che dareste la squadra e coloro che lavora al Web site e coloro di Ebook che le aiuta la vostra saggezza. Prego che aiutereste i diversi membri della loro famiglia (e della mia famiglia) spiritual a non essere ingannati, ma capirli e desiderare accettarli e seguire in ogni senso. e vi chiedo di fare queste cose in nome di Jesus, amen,

(perchè traducono questo in molte lingue?

Poiché abbiamo bisogno di tanta preghiera come possibile e di altretanta gente che prega spesso per noi e questo ministero come possibile. Grazie per il vostro aiuto.

La preghiera è uno dei sensi migliori che potete aiutarli più).



PORTUGUESE

- Prayer -

5 minutos a ajudar excepto outros - faça uma diferença eternal

Caro deus,

obrigado que este testament novo estêve liberado de modo que nós possamos aprender mais sobre você. Ajude por favor aos povos responsáveis para fazer este Ebook disponível. Ajude-lhes por favor poder trabalhar rapidamente, e faça-o mais Ebooks disponível por favor ajudar-lhes ter todos os recursos, fundos, força e tempo que necessitam a fim poder se manter trabalhar para você. Ajude por favor àqueles que são parte da equipe que lhes ajuda em uma base diária. Dê-lhes por favor a força para continuar e dar a cada um deles a compreensão espiritual para o trabalho que você os quer fazer. Ajude por favor a cada um deles não ter o medo e não recordar que você é o deus que respondem ao prayer e que está na carga de tudo. Eu pray que você os incentivaria, e que você os protege, e o trabalho & o ministry que estão acoplados dentro. Eu pray que você os protegeria das forças espirituais que poderiam as prejudicar ou as retardar para baixo. Ajude-me por favor quando eu uso este testament novo pensar também delas de modo que eu possa pray para elas e assim que podem continuar a ajudar a mais povos Eu pray que você me daria um amor de sua palavra holy, e que você me daria a sabedoria e o discernment espirituais para o conhecer mais melhor e para compreender os tempos que nós estamos dentro e como tratar das dificuldades que eu estou confrontado com cada dia.

O senhor Deus, ajuda-me querer conhecê-lo mais melhor e querê-lo ajudar a outros cristãos em minha área e em torno do mundo. Eu pray que você daria a equipe e aquelas que trabalham no Web site e aquelas de Ebook que lhes ajudam sua sabedoria. Eu pray que você ajudaria aos membros individuais de sua família (e de minha família) não ser iludido espiritual, mas para compreendê-lo e para querê-lo aceitá-lo e seguir em cada maneira.e eu peço que você faça estas coisas no nome de Jesus, amen,

(por que nós traduzem isto em muitas línguas?
Porque nós necessitamos tanto prayer como possível,
e tantos como povos que praying para nós e este ministry
tão frequentemente como possível. Obrigado para sua ajuda.
O prayer é uma das mais melhores maneiras que
você pode nos ajudar mais).

- Prayer -

5 minuti da aiutare risparmi altri - faccia una differenza eterna

Lieber Gott,

danke, daß dieses neue Testament freigegeben worden ist, damit wir in der Lage SIND, mehr über Sie zu erlernen. Helfen Sie bitte den Leuten, die für das Zur Verfügung stellen von von diesem Ebook verantwortlich sind. Helfen Sie ihnen bitte, zu sein, schnell zu arbeiten, und stellen Sie mehr Ebooks, bitte ihnen zu helfen, alle Betriebsmittel, die Kapital, die Stärke und die Zeit zu haben zur Verfügung, die sie zwecks sein müssen für, Sie zu arbeiten zu halten. Helfen Sie bitte denen, die ein Teil der Mannschaft sind, das ihnen auf einer täglichen Grundlage helfen.

Geben Sie ihnen die Stärke bitte, um jedem von ihnen das geistige Verständnis für die Arbeit fortzusetzen und zu geben, daß Sie sie tun wünschen. Helfen Sie bitte jedem von ihnen, Furcht nicht zu haben und daran zu erinnern, daß Sie der Gott sind, der Gebet beantwortetund der verantwortlich für alles ist. Ich bete, daß Sie sie anregen würden und daß Sie sie schützen und die Arbeit u. das Ministerium, daß sie innen engagiert werden. Ich bete, daß Sie sie vor den geistigen Kräften schützen würden, die sie schädigen oder sie verlangsamen konnten.

Helfen Sie mir bitte,

wenn ich dieses neue Testament benutze, um an sie auch zu denken, damit ich für sie beten kann und also sie fortfahren können, mehr Leuten zu helfen Ich bete, daß Sie mir eine Liebe Ihres heiligen Wortes geben würden und daß Sie mir geistige Klugheit und Einsicht, um Sie besser zu kennen geben würden und die Zeiten zu verstehen, daß wir innen sind und wie man die Schwierigkeiten beschäftigt, daß ich mit jeden Tag konfrontiert werde. Lieber Gott, helfen mir Sie besser kennen und zu wünschen anderen Christen in meinem Bereich und um die Welt helfen wünschen.

Ich bete, daß Sie die Ebook Mannschaft und die, die auf der Web site arbeiten und die geben würden, die ihnen Ihre Klugheit helfen. Ich bete, daß Sie den einzelnen Mitgliedern ihrer Familie (und meiner Familie) helfen würden nicht Angelegenheiten betrogen zu werden, aber, Sie zu verstehen und Sie in jeder Weise annehmen und folgen zu wünschen.und ich bitte Sie, diese Sachen im Namen Jesus zu tun, amen,

(warum wir, übersetzen dieses in viele Sprachen? Weil wir so viel Gebet benötigen, wie möglich und da viele Leute so, die häufig für uns und dieses Ministerium beten, wie möglich. Danke für Ihre Hilfe. Gebet ist eine der besten Weisen, daß Sie uns am meisten helfen können).



Dear Lord,

Thank you that this New Testament has been released so that we are able to learn more about you.

Please help accurate versions to have wide circulation.

Please help us obtain copies of the accurate Greek

New Testament.

Please help the people responsible for making this Ebook available.

Please help them to be able to work well, and make more Ebooks and information available Please help them to have all the resources, the funds, the friends, the strength and the time that they need and want so that they are able to keep working for You. Please help me to remember to pray for them so this will help other believers.

Please help their family members to not be deceived.

Please help their families to truly turn to the real Jesus and to follow Him and understand His divine perspective.

Please help those family members to understand the importance of spiritual priorities instead of the false god of money.

pray that you would encourage those working on Ebooks, nd that you protect them, and the work & ministry that they are engaged in. I pray that you would protect them from the Spiritual Forces or anything else that could harm them or slow them down. Please protect their right and ability to distribute the Ebooks.

I pray that you would give them your wisdom and great discernment. I ask you to do all these things in the name of Jesus, Amen,



A Christian Understanding of Eternal Life

And how to know for sure that you are saved and going to Heaven

Saved - How To become a Christian how to be saved

A Christian is someone who believes the following

Steps to Take in order to become a true Christian, to be Saved & Have a real relationship & genuine experience with the real God

Read, understand, accept and believe the following verses from the Bible:

1. All men are sinners and fall short of God's perfect standard Romans 3: 23 states that For all have sinned, and come short of the glory of God;

2. Sin - which is imperfection in our lives - denies us eternal life with God. But God sent his son Jesus Christ as a gift to give us freely Eternal Life by believing on Jesus Christ.

Romans 6: 23 states

For the wages of sin is death; but the gift of God is eternal life through Jesus Christ our Lord.

3. You can be saved, and you are saved by Faith in Jesus Christ. You cannot be saved by your good works, because they are not "good enough". But God's good work of sending Jesus Christ to save us, and our response of believing - of having faith - in Jesus Christ, that is what saves each of us.

Ephesians 2: 8-9 states

8 For by grace are ye saved through faith; and that not of yourselves: it is the gift of God:

9 Not of works, lest any man should boast.

4.God did not wait for us to become perfect in order to accept or unconditionally love us. He sent Jesus Christ to save us, even though we are sinners. So Jesus Christ died to save us from our sins, and to save us from eternal separation from God.

Romans 5:8 states

But God commendeth his love toward us, in that, while we were yet sinners, Christ died for us.

5. God loved the world so much that He sent his one and only Son to die, so that by believing in Jesus Christ, we obtain Eternal Life.

John 3: 16 states

For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should not perish, but have everlasting life.

6. If you believe in Jesus Christ, and in what he did on the Cross for us, by dying there for us, you know for a

fact that you have been given Eternal Life.

I John 5: 13 states

These things have I written unto you that believe on the name of the Son of God; that ye may know that ye have eternal life, and that ye may believe on the name of the Son of God.

7. If you confess your sins to God, he hears you take this step, and you can know for sure that He does hear you, and his response to you is to forgive you of those sins, so that they are not remembered against you, and not attributed to you ever again.

I John 1: 9 states

If we confess our sins, he is faithful and just to forgive us our sins, and to cleanse us from all unrighteousness. If you believe these verses, or want to believe these verses, pray the following:

" Lord Jesus, I need you. Thank you for dying on the cross for my sins. I open the door of my life and ask you to save me from my sins and give me eternal life. Thank you for forgiving me of my sins and giving me eternal life. I receive you as my Savior and Lord. Please take control of the throne of my life. Make me the kind of person you want me to be. Help me to understand you, and to know you and to learn how to follow you. Free me from all of the things in my life that prevent me from following you. In the name of the one and only and true Jesus Christ I ask all these things now. Amen".

Does this prayer express your desire to know God and to want to know His love ? If you are sincere in praying this prayer, Jesus Christ comes into your heart and your life, just as He said he would.

It often takes courage to decide to become a Christian. It is the right decision to make, but It is difficult to fight against part of ourselves that wants to hang on, or to find against that part of our selves that has trouble changing. The good news is that you do not need to change yourself. Just Cry out to God, pray and he will begin to change you. God does not expect you to become perfect before you come to Him. Not at all...this is why He sent Jesus...so that we would not have to become perfect before being able to know God.

Steps to take once you have asked Jesus to come into your life

Find the following passages in the Bible and begin to read them:

- 1. Read Psalm 23 (in the middle of the Old Testament - the 1st half of the Bible)
- 2. Read Psalm 91
- 3. Read the Books in the New Testament (in the Bible) of John, Romans & I John
- 4. Tell someone of your prayer and your seeking God. Share that with someone close to you.
- 5. Obtain some of the books on the list of books, and begin to read

them, so that you can understand more about God and how He works.
6. Pray, that is - just talk to and with God, thank Him for saving you, and tell him your fears and concerns, and ask him for help and guidance.
7. email or tell someone about the great decision you have made today !!!

Does the "being saved" process only work for those who believe?

For the person who is not yet saved, their understanding of 1) their state of sin and 2) God's personal love and care for them, and His desire and ability to save them....is what enables anyone to become saved.

So yes, the "being saved" process works only for those

who believe in Jesus Christ and Him only, and place their faith in Him and in His work done on the Cross.

...and if so , then how does believing save a person?

Believing saves a person because of what it allows God to do in the Heart and Soul of that person.

But it is not simply the fact of a "belief". The issue is not having "belief" but rather what we have a belief about.

IF a person believes in Salvation by Faith Alone in Jesus Christ (ask us by email if this is not clear), then That belief saves them. Why? because they are magical? No, because of the sovereignty of God, because of what God does to them, when they ask him into their heart & life. When a person decides to place their faith in Jesus Christ and ask Him to forgive them of

their sins and invite Jesus Christ into their life & heart, this is what saves them – because of what God does for them at that moment in time.

At that moment in time when they sincerely believe and ask God to save them (as described above), God takes the life of that person, and in accordance with the will of that human, having requested God to save them from their sins through Jesus Christ – God takes that person's life and sins [all sins past, present and future], and allocates them to the category: of "one of those people who Accepted the Free Gift of Eternal Salvation that God offers".

From that point forward, their sins are no longer counted against them, because that is an account that is paid by the shed blood of Jesus Christ. And there is no person that could ever sin so much, that God's love would not be good enough for them, or that would somehow not be able to be covered by the penalty of

death that Jesus Christ paid the price for. (otherwise, sin would be more powerful than Jesus Christ – which is not true).

Sometimes, People have trouble believing in Jesus Christ because of two extremes:

First the extreme that they are not sinners (usually, this means that a person has not committed a "serious" sin, such as "murder", but God says that all sins separates us from God, even supposedly-small sins. We – as humans – tend to evaluate sin into more serious and less serious categories, because we do not understand just how serious "small" sin is).

Since we are all sinners, we all have a need for God, in order to have eternal salvation.

Second the extreme that they are not good enough for Jesus Christ to save them. This is basically done by those who reject the Free offer of Salvation by Christ Jesus because those people are -literally – unwilling

to believe. After death, they will believe, but they can only chose Eternal Life BEFORE they die. The fact is that all of us, are not good enough for Jesus Christ to save them. That is why Paul wrote in the Bible "For all have sinned, and come short of the glory of God" (Romans 3:23).

Thankfully, that is not the end of the story, because he also wrote " For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* eternal life through Jesus Christ our Lord."(Romans 6: 23)

That Free offer of salvation is clarified in the following passage:

John 3: 16 For God so loved the world, that he gave his only begotten Son, that whosoever believeth in him should <u>not</u> perish, but have everlasting life.

17 For God sent not his Son into the world to condemn the world; but that the world <u>through him</u> might be saved.

Prayers that count

The prayers that God hears

We don't make the rules any more than you do. We just want to help others know how to reach God, and know that God cares about them personally.

The only prayers that make it to Heaven where God dwells are those prayers that are prayed directly to Him "through Jesus Christ" or "in the name of Jesus Christ".

God hears our prayers <u>because</u> we obey the method that God has established for us to be able to reach him. If we want Him to hear us, then we must use the methods that He has given us to communicate with Him.

And he explains - in the New Testament - what that method is: talking to God (praying) in accordance with God's will - and coming to Him in the name of Jesus Christ. Here are some examples of that from the New Testament:

(Acts 3:6) Then Peter said, Silver and gold have I none; but such as I have give I thee: In the name of Jesus Christ of Nazareth rise up and walk.

(Acts 16:18) And this did she many days. But Paul, being grieved, turned and said to the spirit, I command thee in the name of Jesus Christ to come out of her. And he came out the same hour.

(Acts 9:27) But Barnabas took him, and brought *him* to the apostles, and declared unto them how he had seen the Lord in the way, and that he had spoken to him, and how he had preached boldly at Damascus in the name of Jesus.

(2 Cor 3:4) And such trust have we through Christ to God-ward: (i.e. toward God)

(Gal 4:7) Wherefore thou art no more a servant, but a son; and if a son, then an heir of God through Christ. (Eph 2:7) That in the ages to come he might show the exceeding [spiritual] riches of his grace in his kindness toward us through Christ Jesus.

(Phil 4:7) And the peace of God, which passeth all understanding, shall keep your hearts and minds through Christ Jesus.

(Acts 4:2) Being grieved that they taught the people, and preached <u>through Jesus</u> the resurrection from the dead.

(Rom 1:8) First, I thank my God through Jesus Christ for you all, that your faith is spoken of throughout the whole world.

(Rom 6:11) Likewise reckon ye also yourselves to be dead indeed unto sin,

but alive unto God through Jesus Christ our Lord.

(Rom 6:23) For the wages of sin *is* death; but the gift of God *is* <u>eternal life through</u> Jesus Christ our Lord.

(Rom 15:17) I have therefore whereof I may glory through Jesus Christ in those things which pertain to God.

(Rom 16:27) To God only wise, *be* glory through Jesus Christ for ever. Amen.

(1 Pet 4:11) ...if any man minister, *let him do it* as of the ability which God giveth: that God in all things may be glorified through Jesus Christ, to whom be praise and dominion for ever and ever. Amen.

(Gal 3:14) That the blessing of Abraham might come on the Gentiles through Jesus Christ; that we might receive the promise of the [Holy] Spirit through faith.

(Titus 3:6) Which he shed on us abundantly <u>through Jesus Christ</u> our Saviour;

(Heb 13:21) Make you perfect in every good work to do his will, working in you that which is wellpleasing in his sight, through Jesus Christ; to whom *be* glory for ever and ever. Amen.

Anyone who has questions is encouraged to contact us by email, with the address that is posted on our website.

Note for Foreign Language and International Readers & Users

Foreign Language Versions of the Introduction and Postcript/Afterword will be included (hopefully) in future editions.

VERSIONS based upon the Textus Receptus are the accurate versions

Please Note:

CHECK THE GREEK TEXT TO BE SURE

It is not that this New Testament Book is 100% perfect.
It may not be, though it is pretty accurate.

This is one of the few versions available in the Mandarin Chinese Language (Older Traditional) that is based upon the accurate Ancient Greek Text.

The Printing is from 1885, but the Translation of this edition is actually from 1880 which means it was produced prior to the Revised Version and the Collation of Westcott & Hort.

It is true that there were problems with versions in Chinese Language PRIOR to Westcott and Hort, ever since the work of Griesbach who was incompetent.

Accurate Versions of the N.T. should always conform to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is

to the Greek N.T. called the Textus Receptus, which is the standard historic Koine Greek Text of the New Testament. (the work of John w Burgon. Carston Thiede

or C.D.Ginsburg in the 1800s demonstrate this over and over)

The Textus Receptus is available online Under "Textus Receptus". There are 2 or 3 usual versions of the T.R.:

1. The original 1550/51 Version of the Textus Receptus by Stephens / Stephanos / Estienne 2. The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833

The version of the T.R. by Cura P. Wilson 1833 and
 The Textus Receptus in Koine Greek by

Scrivener, the edition of 1860.
Permission to re-post, use, transmit, or print online GRANTED

Isaiah 40:31

31 But they that wait upon the LORD shall renew their strength; they shall mount up with wings as eagles; they shall run, and not be weary; and they shall walk, and not faint.

- I Thessalonians 4: 13 -5:6
- 13 But I would not have you to be ignorant, brethren, concerning them which are asleep, that ye sorrow not, even as others which have no hope.
- 14 For if we believe that Jesus died and rose again,
 - even so them also which sleep in Jesus will God bring with him.
- 15 For this we say unto you by the word of the Lord, that we which are alive and remain unto the coming of the Lord shall not prevent them which are asleep.
- 16 For the Lord himself shall descend from heaven with a shout, with the voice of the archangel, and with the trump of God: and the dead in Christ shall rise first:
- 17 Then we which are alive and remain shall be caught up together with them in the clouds, to meet the Lord in the air; and so shall we ever be with the Lord.
- 18 Wherefore comfort one another with these words. 5:1 But of the times and the seasons, brethren, ye have no need that I write unto you. 2 For yourselves know perfectly that the day of the Lord so cometh as a thief in the night.3 For when they shall say, Peace and safety; then sudden destruction cometh upon them, as travail upon a woman with child; and they shall not escape.
- 4 But ye, brethren, are not in darkness, that that day should overtake you as a thief.
- 5 Ye are all the children of light, and the children of the day: we are not of the night, nor of darkness.6 Therefore let us not sleep, as do others; but let us watch and be sober.

Matthew 25:1-13

- 25:1 Then shall the kingdom of heaven be likened unto ten virgins, which took their lamps, and went forth to meet the bridegroom.
- 2 And five of them were wise, and five were foolish.
- 3 They that were foolish took their lamps, and took no oil with them:
- 4 But the wise took oil in their vessels with their lamps.
- 5 While the bridegroom tarried, they all slumbered and slept.
- 6 And at midnight there was a cry made,
- Behold, the bridegroom cometh; go ye out to meet him.
- 7 Then all those virgins arose, and trimmed their lamps.
- 8 And the foolish said unto the wise,
- Give us of your oil; for our lamps are gone out.
- 9 But the wise answered, saying, Not so; lest there be not enough for us and you: but go ye rather to them that sell, and buy for yourselves.
- 10 And while they went to buy, the bridegroom came; and they that were ready went in with him to the marriage; and the door was shut.
- 11 Afterward came also the other virgins, saying, Lord, Lord, open to us.
- 12 But he answered and said, Verily I say unto you, I know you not.
- 13 Watch therefore, for ye know neither the day nor the hour wherein the Son of man cometh.

NOTE: This New Testament in PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY MARTYN 1837 is [exists] in Nine [9] Parts. All are available online Persian New Testament Edition of HENRY MARTYN 1837

Please Note:

Permission for YOU to Print, use, Post online, store, use, distribute personally or in file sharing systems, online or otherwise, is hereby granted

Permission to Post and Repost on your website is granted.

Note: Do not always depend on large "storage" websites. Do not depend on websites in the west. Sometimes large websites are affected and then no longer work. For your convenience and easy access, Please keep copies of this somewhere safe or on other servers

Some bulletin boards sometimes have storage space available.

Téléchargement = Free = No Cost Télécharger - Gratuit

Please continue to pray for your protection, and for our protection in all ways and at all times.

Thanks.

NOTE: This New Testament in PERSIAN (IRANIAN - FARSI) of HENRY MARTYN 1837 is [exists] in Nine [9]

is [exists] in Nine [9]

Parts:

Part 1

Part 2

Part 3

Part 4

Part 5

Part 6

Part 7

Part 8

Part 9

All are available online
Persian New Testament
Edition of HENRY MARTYN
1837

Téléchargement Free = No Cost Télécharger - Gratuit A TRUE GOD IS NOT AFRAID OF QUESTIONS.

THERE MAY BE QUESTIONS YOU CANNOT ANSWER
THERE ARE NO QUESTIONS THAT GOD CANNOT ANSWER,
IF HE WANTS. GOD IS BIG ENOUGH. ANY REAL GOD
IS ABLE TO UNDERSTAND THE CURIOSITY AND DESIRE
THAT ANYONE WHO WORSHIPS HIM WOULD WANT TO KNOW.
DO NOT BE AFRAID OF QUESTIONS...IF YOUR GOD IS TRULY GOD

FOR ADDITIONAL INFORMATION - FOR THOSE WHO HAVE EITHER CURIOSITY or COURAGE - For Your Consideration:

The case for Christ by Strobel / Who moved the stone by Morison
Books by Henry Rawlinson / Books by George Rawlinson
The Two Babylons by Hislop
Books by Archibald Sayce (A.H.) Sayce
The Canon (Cannon) of the Old and New Testaments by A. Alexander
The [Idolatry of] the Worship of Mary by J. Endell Tyler
Books by George STANLEY Faber
Revelation by Clarence Larkin
Tract on Christianity and Mohammed by Henry Martin (1824)
Works written by Imad-ud-din, of Umritsur

TAHQY UL IMAN (Inquiry of Faith). 1866. On Evidences of Christianity written by Maulvi Ahmad Ullah

WAQIAT I IMADIYA (Autobiography of Imad-ud-din by himself). 1866
ILTIFAQI MUBAHISA (Account of a verbal Controversy). 1867
Original Sources of the Coran / Koran by Muir

Books in French (Auteurs Français) = Alain Choiquier , Ralph Shallis, Felix Neff, Alexis Muston, T. de Beze, Editions Le Phare,

Accurate Edition: (Texte Reçu) of the New Testament in Greek (Grec) = Nouveau Testament Grec de Robert Estienne (1550/151) [Estienne is sometimes also called Stephens or Stephanos]

Please note the standard information that the last book of the New Testament (called the Book of Revelation) must be read WITH the Old Testament book of DANIEL in order to be fully understood.

كتاب العهد الحديد لربنا ومخلصنا يسوع السيح

\$100 \$100

- CO

0 22 22

0-27-2

0 3

قد تُرجِر حديثًا من اللغة اليونانية

اسماء اسفار العهد الجديد وعدد اصحاحاتها

| ٦ | | ٠ | | ا تیموثاوس | 1X | | | اصعاحانة | انجيل متى |
|----|---|---|--------------|--------------|----|----|---|----------|--------------|
| ٤ | | | | ۲ تیموثاوس | 17 | | | N | انجيل مرفس |
| 7 | | | 8. | ثيطس | 72 | | | tr | انجيل لوقا |
| 1 | | | , | فليمون | 11 | | | | انجيل يوحنا |
| 17 | | | " | العبرانيين | ٢٨ | | | u | اعال الرسل |
| | | | " littly day | يعفوب | 17 | 20 | ٠ | - | ارومية |
| | | | y | ا بطرس | 17 | | | | ا کورنٹوس |
| | | | , | ۲ بطرس | 17 | | | tr' | ا کورنثوس |
| 0 | | ٠ | | ا يوحنا | 7 | | | 4 | غلاطية |
| 1 | | | 2 | ۲ پوحنا | 7 | | | | افسس |
| | | | | م بوحنا | ٤ | | | | فيلبي |
| | | | | speci | | | | a. | كولوسي |
| ٢٢ | • | • | | رۇيا بوحنا | 0 | | | п | ا تسا لونيكي |
| | | | وعشرون سفرا | وجميعها سبعة | 7 | • | | | ا تسا لونيکي |
| | | | | | | | | | |